

کودتای ۲۰۱۶ ترکیه و آینده سیاسی حزب اسلام گرای عدالت و توسعه؛ با تأکید بر روش سناریونویسی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۹/۲۱
 تاریخ تأیید: ۱۳۹۶/۲/۲۶

علیرضا سمیعی اصفهانی^۱
 صغری فرحمند^۲

چکیده

در میان بحران‌هایی که حزب عدالت و توسعه در این سال‌ها تجربه کرده است، کودتای نافرجام ۱۶ جولای ۲۰۱۶، پیامدهای داخلی و منطقه‌ای مهمی را می‌تواند برای این حزب در پی داشته باشد. از این رو، پژوهش پیش رو می‌کوشد تا بر پایه روش آینده‌پژوهی و تکنیک سناریوپردازی، به این پرسش اصلی پاسخ دهد که «آینده حزب عدالت و توسعه» پس از وقوع کودتای ۱۶ جولای ۲۰۱۶ میلادی، به چه سمت و سویی خواهد رفت؟ در روش آینده‌پژوهی، تفکرات فلسفی و روش‌های علمی و مدل‌های مختلف بررسی و با استفاده از آن‌ها، آینده‌های بدیل و احتمالی ترسیم می‌گردد. تکنیک سناریونویسی نیز یکی از روش‌های آینده‌پژوهی است که بر پایه آن رویدادهای آینده‌ای که تحت شرایط معین ممکن است روی دهند، تشریح می‌گردد. در خصوص موضوع این پژوهش، چهار سناریو در قالب دو دسته‌بندی را می‌توان مطرح ساخت: الف) سناریوی مطلوب شامل: ۱. پیروزی نهایی حزب عدالت و توسعه و به حاشیه راندن احزاب رقیب؛ ۲. رهبری منطقه‌ای حزب عدالت و توسعه ب) سناریوی محتمل شامل: ۱. کاهش محبوبیت داخلی و خارجی حزب و فروپاشی دولت اردوغان ۲. تجزیه ترکیه و استقلال کردها. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که علی‌رغم شکست کودتای ۲۰۱۶ و موفقیت دولت در خنثی نمودن کودتا، پیامدهای حاصل از آن و به‌ویژه برگزاری همه‌پرسی ۱۶ آوریل ۲۰۱۶، دولت را به سمت تداوم مناسبات سلطه‌آمیز سوق خواهد داد. بنابراین، چنان‌چه حزب عدالت و توسعه، از سازوکارهای مسالمت‌آمیز دموکراسی استفاده ننماید، طی سال‌های پیش رو مشروعیت داخلی خود را از دست خواهد داد. در واقع، صرف انجام اصلاحات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، حتی تزریق بسته دموکراتیک صورت گرفته، به تنهایی پاسخ‌گوی حل چالش‌های فعلی جامعه ترکیه نبوده است و سران حزب هم‌چنان با بحران مواجه هستند.

واژگان کلیدی: ترکیه، ارتش ترکیه، کودتای جولای ۲۰۱۶، حزب عدالت و توسعه،

اصلاحات سیاسی، مسئله کردها.

۱ استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه یاسوج. asamiei@mail.yu.ac.ir

۲ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور، واحد قزوین (نویسنده مسئول).

مقدمه

به قدرت رسیدن «حزب عدالت و توسعه» به عنوان حزب اسلام‌گرای میانه‌رو در انتخابات سال ۲۰۰۲ میلادی و تداوم این پیروزی در انتخابات سال‌های آتی، نمود عینی قدرت‌یابی این حزب در فضای سیاسی ترکیه بود. حزب مذکور، برآمده از حزب سابق «رفاه» به رهبری «نجم‌الدین اربکان»^۳ می‌باشد که به دلیل تدروی‌های خود، طی دهه ۱۹۹۰ میلادی از طریق کودتا سرنگون شد. به لحاظ تاریخی، سیر فعالیت احزاب اسلام‌گرا به‌خصوص بین سال‌های ۱۹۸۲-۲۰۰۲ میلادی به دلیل ایجاد بحران‌های ناشی از فعالیت‌های ضدسکولاری، فقدان استحکام لازم درونی و رهبری کاریزماتیک، اختلافات بین محافظه‌کاران و اصلاح‌طلبان بر سر فهم اسلام و سرانجام تضعیف حزب و فشار بیش از حد نظامیان و لائیک‌های افراطی، سرنوشته‌ی جز انحلال توسط قانون اساسی را تجربه نکرده‌اند. از این‌رو، رهبران حزب عدالت و توسعه با نشان دادن رفتاری عمل‌گرایانه و دوری از فعالیت‌های افراطی سعی کردند تا از مسیر حرکت اسلام‌گرایان سابق دوری نمایند. «از جمله عوامل موفقیت این حزب در انتخابات سال ۲۰۰۲ میلادی عبارت بودند از: نابه-سامانی‌های اقتصادی و سیاسی سال‌های قبل، افول طبقه سیاسی سنتی، عدم کارایی احزاب راست و چپ در مواجهه با چالش‌های متعدد و نیز توجه خاص این حزب به «دکترین عمق استراتژیک» احمد داووداغلو^۴ (رسولی و ایمانی، ۱۳۹۴: ۱۰). اما شاید بتوان مهم‌ترین دلیل موفقیت این حزب را در میانه‌رو بودن آن دانست، چراکه رهبران اصلی حزب، نظیر «رجب طیب اردوغان»^۵، بارها اعلام کرده‌اند که در روند قدرت، از تمامی نیروهای سیاسی ترکیه، هم‌چون بخش خصوصی، سرمایه‌داران، اقلیت‌های قومی - مذهبی، ارتش، کمالیست‌ها و... استفاده خواهند کرد (رسولی، ۱۳۹۳: ۵۹).

قدرت‌یابی حزب عدالت و توسعه، سیاست داخلی و خارجی این کشور را با تغییراتی روبه‌رو کرد. اردوغان با سیاست‌های اصلاح‌طلبانه داخلی در تمامی ابعاد اقتصادی، مدنی، قومیتی و فرهنگی، توانست در ذهن جامعه ترکیه حزب عدالت و توسعه را حزبی دموکرات و قانون‌گرا معرفی کند. از سویی دیگر، سیاست خارجی این کشور، با الهام از دکترین داووداغلو، در پی پاسخ‌گویی به نیازهای جدید منطقه‌ای و بین‌المللی بود و در این راه، دو هدف عمده را دنبال می‌کرد، نخست این که به اتحادیه اروپا ملحق شود تا بتواند این مسئله را به اثبات برساند که به لحاظ تاریخی، اقتصادی و راهبردی به اتحادیه اروپا تعلق دارد و

- 3 Necmettin Erbakan
- 4 Ahmet Davutoğlu
- 5 Recep Tayyip Erdoğan

همچنین بتواند در منازعات میان کشورهای همسایه، نقش میانجی را ایفا کند (داووداغلو، ۲۰۱۰: ۱۳). به عبارتی دیگر، تا پیش از به قدرت رسیدن این حزب، استراتژی غالب در سیاست خارجی آنکارا، نگاه به غرب بود، اما پس از قرار گرفتن این حزب در رأس قدرت، چهرهٔ تک بعدی ترکیه، به سیاستی چند بعدی در روابط بین‌الملل تبدیل شد.

با این همه، وقوع کودتای نافرجام ۱۶ ژوئیه ۲۰۱۶ میلادی در ترکیه توسط تعدادی از اعضای نیروی ارتش به بهانهٔ استقرار دموکراسی، حقوق بشر، نظم و قانون، شوک همگان را برانگیخت. نظامیان ترکیه کوشیدند با اشغال نقاط و مراکز مهم شهر استانبول و آنکارا، طی کودتایی دولت را سرنگون سازند. هرچند این کودتا فرجامی نداشت و در همان ساعات اولیه چهرهٔ شکست‌خوردهٔ خود را نشان داد، ولی به طور قطع، باید آن را یکی از مهم‌ترین اتفاقات سیاسی ترکیه طی قرن بیست و یکم دانست؛ چراکه وقوع این کودتا جامعهٔ مدنی این کشور را به چالش کشاند و وجههٔ آن را در نزد کشورهای همسایه و جهان مخدوش نمود. البته، قابل ذکر است که بخشی از تاریخ معاصر ترکیه تاریخ کودتاست. کودتای ۱۹۶۰ علیه «عدنان مندرس»^۶ و کودتای ۱۹۷۱ و ۱۹۸۰ علیه «سلیمان دمیرل»^۷ و کودتای پست‌مدرن علیه «نجم‌الدین اربکان» در سال ۱۹۹۷ و حتی کودتای معکوس در سال ۲۰۰۸ علیه ارتش، نشان می‌دهد که کودتا، هدایت‌کنندهٔ سیاست در ترکیه بوده است. در تمامی این کودتاها ارتش همواره با دو استدلال وارد عمل شده است؛ نخست ناکارآمدی دولت‌ها در ایجاد نظم و امنیت عمومی و سامان دادن به مسائل سیاسی و اقتصادی به طوری که در شرایط کنونی نیز یکی از بهانه‌های سران کودتا، ناتوانی دولت در جلوگیری از اقدامات تروریستی در این کشور بوده است و دوم نقض اصول کمالیستی که در این مورد هم کمالیست‌هایی که هنوز هم در بدنهٔ ارتش ترکیه حضور دارند، بر این باورند که دولت عدالت و توسعه از آرمان‌های کمالیستی به خصوص اصل لائیسزم دور شده است.

شایان ذکر است که ارتش ترکیه تا قبل از دههٔ ۲۰۰۰ میلادی در نبود نهادهای کارآمد مدنی و تفکیک ساختاری سامان‌مند، هم‌چون سایر کشورهای جهان سوم، عاملی برای ثبات و تعادل در جامعه بود، اما پس از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، دولت در ایجاد نهادهای مدنی پویا و تفکیک ساختاری و تضعیف ارتش موفق عمل کرد و برپایهٔ

6 Adnan Menderes

7 Süleyman Demirel

همین مسئله، می‌توان این کودتای نافرجام را واکنشی در برابر سیاست‌های دولت مبنی بر تضعیف ارتش دانست. باید گفت که در مطالعات سیاسی و اقتصادی، کودتای نافرجام ۲۰۱۶ ترکیه به‌عنوان مدل برجسته نوسازی اسلامی، نگاه جهانیان را متوجه این کشور کرد. بی‌گمان، در شرایطی که ترک‌ها از مدل حکومتی خود به‌عنوان الگویی برای داشتن اقتصادی پیش‌رو، جامعه مدنی پویا و رهبران بروکراتیک متعهد، برای جهان اسلام سخن می‌رانند، کودتا در آن کشور اتفاقی نابه‌جا بود.

با این توصیف، پژوهش حاضر بر آن است تا با تأکید بر سناریو نویسی که یکی از روش‌های آینده‌پژوهی است، ضمن بررسی و تحلیل کودتای نافرجام، به این پرسش اصلی پاسخ دهد که «آینده حزب عدالت و توسعه» پس از سرکوب این کودتا از سوی دولت و نیروهای مردمی، به چه سمت و سویی خواهد رفت؟ در این خصوص، چهار سناریو را می‌توان مطرح کرد که در دو دسته‌بندی قابل تقسیم هستند: الف) سناریوی مطلوب: پیروزی نهایی حزب عدالت و توسعه و به حاشیه رفتن احزاب رقیب، رهبری منطقه‌ای حزب عدالت و توسعه؛ ب) سناریوی محتمل: کاهش محبوبیت داخلی و خارجی حزب عدالت و توسعه و فروپاشی دولت اردوغان، تجزیه‌ت ترکیه و استقلال کردها.

ادبیات پژوهش

با وجود این که در خصوص جریان‌های اسلام‌گرای ترکیه و به‌ویژه حزب عدالت و توسعه پژوهش‌هایی انجام گرفته است، کم‌تر پژوهش ساختارمندی را می‌توان یافت که تا به امروز جریان‌های اسلام‌گرا به‌ویژه حزب عدالت و توسعه ترکیه را از دیدگاه آینده‌پژوهی مورد بررسی و تبیین قرار داده باشد، در زیر به برخی آثار نزدیک به موضوع این پژوهش اشاره می‌شود:

مرکز مطالعات شبکه الجزیره (۲۰۱۶) در تحلیلی با عنوان «کودتای نافرجام ترکیه: پویایی‌ها و پیامدها» نوشت: پس از کودتا، در کوتاه‌مدت اولویت حکومت بازسازی دولت شامل، نهادهای قضایی و نظامی خواهد بود. این تلاش احتمالاً باعث اجماع میان بازیگران سیاسی برای برپایی قانون اساسی جدید خواهد شد. افزون بر این کودتا، بر مسئله کردها نیز تأثیر خواهد گذاشت که دولت باید برای حل آن همت گمارد. در عرصه سیاست خارجی، ترکیه احتمالاً به تلاش‌های اخیر خود برای هموار کردن مسیر روابط خود با سایر کشورها من جمله روسیه و اسرائیل را تداوم بخشد. در حالی که تلاش خود برای پیوستن به اتحادیه اروپا را کاهش و استقلال سیاست‌گذاری خود از ایالات متحده و اتحادیه اروپا را افزایش خواهد بخشید.

کنراد زاشتوت^۸ (۲۰۱۶) در تحلیل خود با عنوان «پیامدهای کودتای نافرجام ارتش در ترکیه» معتقد است که این کودتا پیامدهای مهمی برای سیاست‌های داخلی و خارجی ترکیه به همراه خواهد داشت. به عبارت دقیق‌تر، منجر به تثبیت و تحکیم دولت اردوغان خواهد شد و اردوغان با استفاده از شرایط موجود و به بهانه مبارزه علیه جنبش هیزمت و رهبر آن فتح اله گولن به حذف گروه‌هایی که تصور می‌کند در دستگاه اجرایی و ارتش مخالف وی هستند، اقدام خواهد نمود. در عرصه سیاست خارجی نیز تنش احتمالی در روابط میان این کشور با ایالات متحده و اتحادیه اروپا که شیوه ترکیه در مبارزه با مخالفان سیاسی را مورد انتقاد قرار می‌دهند، دامن خواهد زد.

چاندرارِخا (۲۰۱۶) در تحلیلی با عنوان «تلاش نظامیان برای کودتا در ترکیه؛ فهم علل و پیامدها»، به خطر افتادن امنیت ملی به خاطر تهدید اسلام‌گرایان و منازعه کردها، انحصار قدرت از سوی اردوغان، عدم انتقاد و واکنش ناتو و کشورهای اروپایی نسبت به رهبران ترکیه و در نهایت بحران اقتصادی و گسترش فساد را از علل وقوع کودتا می‌داند و معتقد است که اگرچه برخی، کودتا را حربه‌ای سیاسی از سوی اردوغان به شمار می‌آورند، با این حال، حمایت مردم از سیاست‌های وی نشان‌دهنده موافقت مردم با سیاست‌ها و رهبری وی و از سوی دیگر، بیان‌گر تغییر نگرش جامعه مدنی ترکیه و ارجحیت آن برای داشتن رهبری است که ایدئولوژی اسلام‌گرایی را به شیوه‌ای ملایم‌تر به اجرا درآورد. افزون بر این، کودتا زنگ خطری برای اردوغان است که نمی‌تواند نقش ارتش را در سیاست ترکیه نادیده گرفته و یا کم‌رنگ شمارد.

یوسف بونداسکی (۲۰۱۶) در مقاله‌ای با عنوان «کودتای ارتش در ترکیه؛ ملاحظات ابتدایی» می‌نویسد کودتا چالشی برای جریان اسلام‌گرا، پان‌ترکیسم و نوع‌ثمانی‌گری بود. رهبران کودتا به کوشش نافرجامی برای جلوگیری از درغلتیدن ترکیه به دامان اقتدارگرایی نوع‌ثمانی اسلام‌گرا دست زدند. هدف رهبران کودتا بازگرداندن نظم دموکراتیک و حقوق بشر بود. به اعتقاد وی، در بلندمدت اردوغان قدرت‌مندتر و مطمئن‌تر از گذشته ظاهر خواهد شد و پیامدهای کودتا در استانبول به موفقیت و پایداری فرایند اسلامی‌سازی عمیق که اردوغان درصدد تحقق آن است، کمک خواهد کرد. روی هم رفته کودتا، تغییرات عمیقی در ساختار قدرت درهم‌تنیده ترکیه در پی خواهد داشت.

۱. چارچوب مفهومی و روش پژوهش

۱-۱. آینده پژوهی به مثابه روشی علمی

آینده پژوهی را معادل اصطلاح «Future Studies» در نظر گرفته‌اند. این روش، تفکرات فلسفی و روش‌های علمی و مدل‌های مختلف بررسی و مطالعه آینده را مطرح و با استفاده از آن‌ها، آینده‌های بدیل و احتمالی را ترسیم می‌نماید؛ لذا آینده پژوهی، ابزاری برای مهندسی هوشمندانه آینده است (ناصرآبادی، ۱۳۷۹: ۲۵). آینده پژوهی، می‌کوشد تا معرفت و اندیشه‌ای آینده‌نگرانه را در میان بخش‌های قدرت، دانش، تجارت، دولت و نهادهای آموزشی، برای درک فرصت‌ها و تهدیدهای محتمل طی ۱۰ تا ۲۰ سال آینده، در عرصه اجتماع، فرهنگ، سیاست، بازار و تکنولوژی‌ها ایجاد کند و آن‌گاه با ایجاد و تقویت هم‌کاری میان این سه بخش به جهت‌دهی فعالیت‌های آنان در راستای اهداف تعیین شده بپردازد (Keenan, 2003:8-12).

نخستین فعالیت آینده پژوهی به صورت علمی، در سال‌های ۱۹۳۰ تا ۱۹۳۳ میلادی توسط گروهی از پژوهش‌گران به سرپرستی «ویلیام اف. آگبرن»^۹ در زمینه جامعه‌شناسی در آمریکا انجام شد. آینده پژوهی در مقام فعالیتی عمومی، از دهه ۱۹۶۰ میلادی آغاز شد. «برتراند دوژوونل»^{۱۰}، نخستین پژوهش نظری را تحت عنوان «هنر گمان» نوشت. او در این زمینه، با اشاره به این که «هیچ واقعیتی در مورد آینده وجود ندارد»، به این نتیجه رسید که یافتن مدارک و استنتاجات برای آینده، نیازمند روش‌هایی غیر متداول است (سمیعی اصفهانی و شفیع سیف‌آبادی، ۱۳۹۴: ۲۰۳). لازم به ذکر است که می‌توان آینده را به سه گروه اصلی تقسیم‌بندی کرد: الف) آینده ارجح: به معنای در نظر گرفتن مطلوب‌ترین رویدادها برای وقوع در آینده؛ ب) آینده محتمل: یعنی در نظر گرفتن رویدادهایی که بیش‌ترین احتمال را برای وقوع در آینده دارند. این رویدادها می‌توانند به صورت بسط روندهای گذشته در آینده (به طرق مختلف) در نظر گرفته شوند (مظفری، ۱۳۸۸: ۳۵)؛ ج) آینده ممکن: یعنی در نظر گرفتن کلیه رویدادها، اعم از بد یا خوب، محتمل یا ضعیف-الامکان و غیره که می‌توانند در آینده اتفاق بیفتند.

در پژوهش حاضر، با توجه به موضوع و هدف پژوهش و هم‌چنین داده‌های در دسترس، از میان روش‌های مختلف آینده پژوهی، یعنی دیده‌بانی آینده، روش دلفی، تجزیه

9 William F. Ogburn

10 Bertrand de juvenel

و تحلیل روندها، تجزیه و تحلیل پیشران‌ها، سناریوپردازی، نقشه راه، پس‌نگری، مدلینگ و شبیه‌سازی، از روش سناریونویسی استفاده خواهد شد.

۲-۱. سناریونویسی به عنوان یکی از روش‌های آینده‌پژوهی

سناریونویسی به عنوان یکی از روش‌های آینده‌پژوهی، عبارت است از شرح رویدادهای آینده‌ای که تحت شرایط معین ممکن است روی دهند. سناریو شامل تصاویری از آینده مطلوب، محتمل و ممکن است که هدف از به‌کارگیری آن‌ها مورد آزمایش قراردادن عملکرد سیاست‌ها و استراتژی‌های اتخاذشده در برابر چالش‌های موجود آینده با ایجاد و ترسیم فضایی از ممکنات است. بدین منظور، سناریوها با کشف نظام‌مند چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌رو، در خدمت تدوین استراتژی‌ها قرار می‌گیرند. سناریوها تنها به حدس زدن در مورد آینده اکتفا نمی‌کنند، بلکه به ما کمک می‌کنند که چگونه در شرایط محیطی متفاوت آینده، بیان‌دیشیم و به تصمیم‌گیری و مدیریت آینده پردازیم (ماکریداکیس و ویل‌رایت، ۱۹۸۹: ۲۱۵). هدف سناریونویسی، شکستن محدودیت‌ها و واگرها، گسترش تفکر در مورد آینده و عریض‌تر کردن طیف آلترناتیوهای است که می‌تواند مدنظر ما باشد. (مارتین، ۱۹۸۲: ۱۲۳؛ چرماک، ۲۰۰۴: ۲۶۱) در رابطه با نقاط قوت سناریونویسی باید گفت که روشن کردن دید خواننده نسبت به موضوع، معنا بخشیدن به نقاط منفرد و به حداقل رساندن کاستی‌های مطرح در تصمیم‌گیری، از جمله موارد مطرح هستند، اما عدم قطعیت در نتیجه‌گیری، ندادن یک پاسخ برای هر تصمیم، گرایش بیش از اندازه به کلیات و کاهش قوه شهودی برای پیدا کردن راه‌حل از نقاط ضعف وارده بر سناریونویسی است. (Chermak, Thomas, 2005: 525).

در این پژوهش، جهت پیش‌گیری از اطاله‌ی کلام به سناریوی ممکن پرداخته نخواهد شد. این پژوهش بر پایه دو دسته سناریوی مطلوب و محتمل سامان‌دهی شده است. الف) سناریوهای مطلوب شامل: ۱) پیروزی نهایی حزب عدالت و توسعه و به حاشیه راندن احزاب رقیب؛ ۲) رهبری منطقه‌ای حزب عدالت و توسعه؛ و ب) سناریوی محتمل شامل: ۱) کاهش محبوبیت داخلی و خارجی حزب عدالت و توسعه و فروپاشی دولت اردوغان؛ ۲) تجزیه ترکیه و استقلال کردها. متغیر «رهبری منطقه‌ای حزب عدالت و توسعه» در مقایسه با متغیرهایی چون اقتصاد، گردش‌گری و ... از اهمیت بیش‌تری برخوردار است، چراکه رهبری منطقه‌ای بر فضای مناقشات ترکیه اثرگذار بوده و تقریباً تمامی سیاست‌های حزب را در بر می‌گیرد. هم‌چنین متغیر «استقلال کردها» از جمله متغیرهای قابل اهمیت است، زیرا

استقلال خواهی کردهای سوریه، کردهای ترکیه را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. «سناریوی پیروزی یا شکست اردوغان» نیز بیش تر بر این علت انتخاب گردیده است که اردوغان بیش از یک دهه نه تنها بر چالش‌ها و مشکلات داخلی کشور فائق آمد، بلکه به قدرتی منطقه‌ای تبدیل شد. بنابراین، با توجه به مشکلات پیش روی ترکیه چون کودتا و پیامدهای داخلی و خارجی آن، ضعف و قوت عملکرد رهبری اردوغان می‌تواند در آینده فراروی این حزب و هم‌چنین کشور ترکیه تأثیرگذار باشد.

۲. پیشینه سیاسی حزب عدالت و توسعه

به لحاظ تاریخی، سیر فعالیت احزاب اسلام‌گرا در ترکیه را می‌توان به سه دوره متمایز تقسیم‌بندی کرد: دوره نخست بین سال‌های ۱۹۸۲-۱۹۹۸ میلادی بوده است. در این دوره، نجم‌الدین اربکان رهبر «حزب رفاه» با حضور چهارده ساله در فضای سیاسی ترکیه توانست طولانی‌ترین زمان فعالیت سیاسی را در میان احزاب اسلام‌گرا داشته باشد. اما بحران به‌جودآمده از فعالیت‌های ضدسکولاری حزب رفاه، باعث انحلال این حزب از سوی دادگاه قانون اساسی گردید. در دوره دوم بین سال‌های ۱۹۹۷-۱۹۹۹، پس از کودتای سفید علیه اربکان، «حزب فضیلت» توسط اعضای رفاه، به رهبری «رجایی کوتان» در ۱۷ دسامبر ۱۹۹۷ میلادی شروع به فعالیت کرد، اما به علت فقدان استحکام لازم درونی و رهبری کاریزماتیک، اختلافات بین محافظه‌کاران به رهبری «رجایی کوتان»^{۱۱} و اصلاح‌طلبان به رهبری «عبداله گل» بر سر فهم اسلام شدت گرفت. سرانجام، این حزب با فشار نظامیان و لائیک‌های افراطی، توسط قانون اساسی در مارس ۲۰۰۱ میلادی منحل شد (ماه‌پیشانیان، ۱۳۸۶: ۶-۷). با آغاز دوره سوم، فعالیت‌ها بین سال‌های ۱۹۹۹-۲۰۰۲ میلادی، «رجایی کوتان» «حزب سعادت» را با گرایش اسلامی و محافظه‌کارانه و اصلاح‌طلبان نیز حزب «عدالت و توسعه» را به رهبری «اردوغان» و «عبدالله گل»^{۱۲} تأسیس نمودند.

۳. عوامل تأثیرگذار در تبیین آینده سیاسی حزب عدالت و توسعه

امروزه، در باب آینده حزب عدالت و توسعه، هریک از نظریه‌پردازان، با توجه به پیش‌فهم‌ها و پیش‌فرض‌های خود، تحلیلی خاص و متفاوت ارائه می‌دهند. این در حالی است که به نظر می‌رسد در تحلیل آینده حزب عدالت و توسعه، باید با دیدی جامع و فراگیر نسبت به

11 Recai Kutan

12 Abdullah Gül

موضوع مورد بحث، به نکاتی توجه کرد که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود:

نخستین مسئله‌ای که باید در نظر گرفت قدرت‌یابی حزب عدالت و توسعه در چند سال اخیر بوده است. ایدئولوژی و ماهیت فراگیر این حزب و هم‌چنین داشتن هویتی متشکل از «ترکی، اسلامی و غربی» بیش از هر امر دیگری سبب قدرت‌یابی این حزب گردید. سردمداران این حزب، هدف خود را دفاع از یک دموکراسی محافظه‌کارانه، رونق اقتصادی و بهبود معیشتی مردم متمرکز کردند. اردوغان در سال ۲۰۰۳ میلادی در باب تشکیل حزب عدالت و توسعه اظهار داشت که «ما به دنبال تمایزگذاری و قطبی شدن ایدئولوژی‌ها و نیز مرزبندی شدید و آشکار در بین آن‌ها نیستیم؛ ما به جای استقرار دو قطبی سیاه و سفید، در پی ایجاد تصویری چند بعدی و متنوع‌تر از احزاب و جریان‌های سیاسی هستیم» (Yavuz, 2006: 334).

دوم، انجام اصلاحات اقتصادی در دوره اردوغان است. آغاز هزاره سوم را باید سال‌های شکوفایی اقتصاد ترکیه دانست. به گواهی تاریخ، ترکیه پس از پشت سر گذاشتن بحران‌های اقتصادی دهه‌های ۵۰ تا ۹۰، روند رو به رشد اقتصادی خود را آغاز نمود؛ چراکه اردوغان به عنوان رهبر حزب عدالت و توسعه، پس از پیروزی در انتخابات پارلمانی با قرار دادن سیاست‌های اصلاحی چون رشد چشم‌گیر تولید ناخالص داخلی ترکیه، اجرای برنامه تثبیت اقتصادی پیشنهادی صندوق بین‌المللی پول با هدف خصوصی‌سازی بانک‌ها و بخش‌های انرژی، اصلاح نظام مالیاتی و رفاهی، دسترسی به سرمایه‌گذاری خارجی و اتخاذ سیاست‌های انقباضی در حوزه حجم پول بر روی میز کار خود، توانست موفقیت چشم‌گیری در اصلاحات داخلی به دست آورد. با اجرای این برنامه‌های اقتصادی، برای نخستین بار در سال ۲۰۰۴ میلادی طی بیش از یک دهه، تورم ترکیه به پایین‌ترین تراز ۱۰ درصد کاهش یافت و تا سال ۲۰۰۶ میلادی، به جایگاه ششم اقتصادی در بین کشورهای اروپایی رسید (Karakas, Patton, 2006: 513- 536).

31: 2014). فعالیت چندین ساله رجب طیب اردوغان نه تنها موجب رشد اقتصادی ترکیه و در امان ماندن آن از بحران اقتصادی جهانی شد، بلکه باعث افزایش سه برابری درآمد سرانه مردم به خصوص در میان قشر فقیر و متوسط گردید و همین امر، یعنی احساس رفاه عمومی و بهبود وضعیت اقتصادی، اردوغان را با افزایش محبوبیت مردمی قابل توجه روبه‌رو کرد.

سوم، سیاست خارجی است. سیاست خارجی ترکیه تحت رهبری حزب عدالت و توسعه، همواره ابعادی چندگانه را دنبال کرده است. این کشور سیاست خارجی خود را با محوریت تمرکز بر روی گسترش روابط با غرب و پیوستن به اتحادیه اروپا، توجه به تحولات خاورمیانه و آمریکا بنا نهاد. رهبران ترکیه، تصویر کشوری را در سر می‌پروراندند

که روابط «ژئوپلتیکی» و «استراتژیکی» آن، عمیق تر و گسترده تر از توان نظامی آن باشد (77: Rabasa and Stephen, 2008). هدف اصلی سیاست ترکیه تأمین امنیت، ثبات و صلح و رفاه ترکیه در منطقه و ایجاد شرایط لازم برای توسعه هم‌کاری‌هاست. «احمد داووداوغلو»، مهم‌ترین دیدگاه‌های خود را در قالب دو گفتمان «عمق استراتژیک» و «به صفر رساندن اختلاف‌ها با همسایگان» عرضه کرده است. دکترین «عمق استراتژیک» می‌گوید: «ارزش یک کشور در روابط بین‌الملل، از موقعیت ژئواستراتژیک و عمق تاریخی آن نشأت می‌گیرد. بر همین اساس، ژئوپلتیک، هسته اصلی این دکترین را تشکیل می‌دهد» (Davütöglü and Deniz, 2002).

هنگامی که انقلاب‌ها در جهان عرب و به‌ویژه مصر و تونس به وقوع پیوست، اردوغان فعلا نه به دنبال استقرار دموکراسی در این کشورها برآمد. همین سیاست توانست در بهبود روابط ترکیه و آمریکا که از زمان جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ میلادی متزلزل بود، تاثیرگذار باشد. آمریکا جهت مداخله در تحولات شمال آفریقا و کشورهای اسلامی نیازمند به بازیگران و اشخاص ثالث است. در حال حاضر این نقش را به-ترتیب دیپلمات‌های ترکیه و ناتو برای رهبران واشنگتن ایفا می‌کنند (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه، ۱۳۸۶: ۲۷۷). البته رفتار سیاسی ترکیه در خاورمیانه مورد انتقادهای داخلی و خارجی نیز قرار گرفته است. به عقیده «عمر تاشپینار»، وقوع بهار عربی در سیاست خارجی ترکیه اهمیت ویژه‌ای داشت. وی اذعان می‌کند که برداشت اشتباه از «غرب‌گرایی» در مقابل «اسلام‌گرایی»، سیاست خارجی ترکیه را با مشکلاتی مواجه کرده است (Taşpınar, 2011: 268).

چهارم، نوسان حاکم بر روابط حزب عدالت و توسعه با ارتش. در ۱۲ ژوئن ۲۰۰۷ میلادی، از سوی دادستان اسناد و مدارکی ارائه شد که نشان‌دهنده قصد ارتش مبنی بر انجام کودتا علیه دولت بود. از این رو، موج گسترده‌ای از بازداشت‌های سیاسی به اتهام مشارکت در برنامه براندازی دولت اردوغان آغاز شد و پس از صدور نخستین کیفرخواست برای «ارگنه کن»^۳، فرمانده ارتش، در ۲۱ ژوئن ۲۰۰۸ میلادی بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۱ میلادی، بیش از پانصد نفر شامل افسران ارشد ارتش، حقوق‌دانان و روزنامه‌نگاران مخالف بازداشت شدند. این افراد، به ترورهای برنامه‌ریزی شده و بمب‌گذاری جهت ناآرام کردن اوضاع و هموار کردن مسیر خود برای انجام کودتا اعتراف کرده بودند. دستگیری

«ارگنه کن» موجب محدود شدن قدرت ارتش گردید. طی یک دهه گذشته، اردوغان به بهانه طرح اصلاحات اروپایی، تغییر در ساختار ارتش را آغاز نموده و قدرت ژنرال‌ها را از طریق ایجاد اصلاحات دفاعی کاهش داده است (Brookings, 2016). به همین علت، امروزه بدنه اصلی ارتش طرفدار اردوغان است. نزدیکی «حلوصلی آکار»^{۱۴} رئیس ستاد کل نیروهای مسلح به اردوغان، نمونه بارز این مسئله است که به خوبی توانست در سرکوب کودتای ۲۰۱۶ میلادی تأثیرگذار باشد.

پنجمین متغیر، اصلاحات سیاسی بعد از فراندوم ۲۰۱۰ است. برگزاری فراندوم سراسری در ترکیه برای تغییر قانون اساسی در تاریخ ۱۲ سپتامبر ۲۰۱۰، مهم‌ترین گامی بود که دولت اردوغان برای تغییر قانون اساسی ترکیه طی این سال برداشت. از جمله اهداف مهم این فراندوم، وارد کردن ضربه سنگین روانی بر احزاب اصلی اپوزیسیون، یعنی دو حزب «جمهوری خلق» و «حرکت ملی» و تضعیف اعتماد به نفس آن‌ها در انتخابات پارلمانی بعدی، تضعیف پایگاه اجتماعی گسترده ارتش و جلوگیری از دخالت این ارگان در عرصه سیاست، تسهیل مسیر اصلاح سایر بندهای قانون اساسی، زیر سؤال بردن اقدامات قوه قضاییه به منظور از بین بردن آخرین پایگاه کمالیست‌ها و تسهیل مسیر تبدیل شدن حزب عدالت و توسعه به اصلی‌ترین حزب فراگیر بود (Cramer, 2016: 6). به رغم بایکوت کردن این همه‌پرسی از سوی برخی جریان‌های کرد و گروه‌های سیاسی که آن را عاملی بر افزایش قدرت حزب عدالت و توسعه می‌دانستند، مردم ترکیه به آن رأی مثبت دادند. باید گفت که دو حزب مذکور، فراندوم را تهدیدی جدی برای لائیسیم معرفی می‌کردند. در کنار این دو حزب، حزب صلح و دموکراسی به‌عنوان نماینده کردها نیز دلیل تحریم فراندوم را عدم شفافیت مفاد تغییر در قانون اساسی اعلام کرد. در تحلیل برگزاری فراندوم ۲۰۱۷ میلادی نیز باید گفت که این همه‌پرسی همچون فراندوم ۲۰۱۰ میلادی، بیش‌تر با هدف تغییر قانون اساسی و تصویب نظام ریاستی از سوی مجلس ترکیه صورت خواهد گرفت. بی‌گمان چنین اصلاحاتی قدرتی فراتر از تمامی رؤسای جمهور این کشور را به اردوغان خواهد بخشید.

همچنین اردوغان و هم‌مسئولان‌اش در راستای سیاست‌های اصلاحاتی خود فرایندی با عنوان «دموکراتیزاسیون»^{۱۵} را بعد از فراندوم ۲۰۱۰ میلادی مطرح نمودند. درون‌مایه این بسته پیشنهادی که بیش‌تر مسائل قومیتی را مد نظر قرار داده بود، باعث رهایی ترکیه از چالش‌ها و

تنش‌های قومی یا کاهش آن می‌شد. این بسته شامل استفاده از زبان کردی برای کمپین‌های انتخاباتی و آموزش در مدارس خصوصی، قانونی-سازی تبلیغات سیاسی در زبان‌های غیر ترکی «مثل کردی»، لغو ممنوعیت استفاده از نام‌های کردی برای سکونت‌گاه‌های کردنشین و مباحثی از این قبیل می‌شد (Democratization package, 2014). اما واکنش در برابر این برنامه اصلاحاتی نشان داد که دموکراتیزاسیون در باور احزاب و شخصیت‌های برجسته سیاسی، چون «دمیرتاش»^{۱۶} «رهبر حزب کردی دموکرات خلق‌ها» (IMI tv, 2013) و رهبران دو حزب جمهوری خلق و حرکت ملی نمی‌توانست از قدرت کافی در حل مسئله کردها برخوردار باشد. ششمین عاملی که باید در نظر گرفت مناقشه‌های داخلی و اختلافات حزب عدالت و توسعه با جنبش گولن است. در کنار روابط پرتنش بین دولت و ارتش، مجموعه‌ای از رویدادها شامل اعتراضات پارک گزی در می و آگوست ۲۰۱۳ میلادی، رسوایی و فساد دولت در دسامبر ۲۰۱۳ میلادی، چالش مهمی پیش روی اردوغان قرار داد (Kotsev, 2013). در برابر این اعتراضات، واکنش دولت ترکیه برخورد قاطع با معترضان بود. به طوری که اردوغان در سخنرانی‌های خود، مخالفان‌اش را مشتکی «غارت‌گر» و «ولگرد» توصیف کرد (Erdoğan, 2013). انتقاد مخالفان اردوغان مبنی بر این که او از مسیر دموکراتیک دور شده و بیش از پیش، اقتدارگرایی را در پیش گرفته، زمانی تشدید شد که پس از سال‌ها هم‌زیستی و هم‌کاری، منازعه شدیدی بین دولت و جنبش گولن «موسوم به هیزمت یا خدمت»^{۱۷} در دسامبر ۲۰۱۳ به وجود آمد.

«فتح‌الله گولن»^{۱۸} با رهبری جنبش اسلام اجتماعی از دهه ۱۹۸۰ میلادی، فعالیت‌های خود را از طریق احداث شبکه‌ای گسترده از مدارس سکولار در سراسر ترکیه و جهان آغاز نمود (Aras and Caha, 2000: 82-95). به رغم تأکید هر دو گروه بر داشتن ایدئولوژی اسلام مدرن، در ۱۷ دسامبر ۲۰۱۳ میلادی گولن به انتقاد از نحوه برخورد دولت با معترضین پارک گزی پرداخت و آن را زیر سؤال برد. به دنبال ایجاد تنش بین این دو جریان اسلام‌گرا، در ماه نوامبر ۲۰۱۳ میلادی، دولت تعطیلی «درشانه» شامل شبکه‌ای وسیع از مدارس آموزش خصوصی که تقریباً ۲۰ درصد آن‌ها تحت مدیریت طرفداران گولن بود را خواستار شد (اسپوزیتو و دیگران، ۱۹۹۶: ۱۹). در واکنش به این موضع‌گیری، دادستان که ارتباط نزدیکی با گولن داشت به افشای رسوایی فساد دولت پرداخت و اردوغان نیز کارمندان دولت را متهم

16 Selahattin Demirtash

17 Hizmet

18 Fethullah Gülen

به طراحی «کودتای قضایی» نمود (Paramaguru, 2013). سرانجام این جنجال‌های داخلی با کودتای ۱۵ جولای ۲۰۱۶ به اوج رسید. «رجب طیب اردوغان» معتقد است که این کودتا با اقدامات «فتح‌الله گولن» در ارتباط است (Zasztowt, 2016: 1) و همین مسئله به طور آشکارتری این دو رهبر اسلام‌گرا را مقابل یکدیگر قرار داده است.

هفتم، روابط حزب عدالت و توسعه و کردها است. بی‌گمان یکی از مهم‌ترین مسائلی که دولت‌مردان ترکیه از دیرباز با آن درگیر بوده و هستند، مسئله مناطق کردنشین است. این موضوع از سوی برخی از پژوهش‌گران به عنوان بزرگ‌ترین مشکل امنیت داخلی ترکیه یاد می‌شود. انکار هویت کردی توسط قانون اساسی و توسعه نیاقتگی مناطق کردنشین ترکیه، همواره مانع بزرگی در تعامل کردها و دولت ترکیه ایجاد کرده است. اما به کارگیری زبان نرم سیاسی و تأکید بر حقوق فرهنگی کردها و انعطاف با «پ.ک.ک.» از سوی سران حزب سبب شد تا در مسئله کردها فعالیت نسبتاً اصلاحی آغاز گردد.

و هشتمین عامل، رابطه حزب عدالت و توسعه و احزاب رقیب است. تا قبل از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه، اکثریت قاطع احزاب، چون «حزب جمهوری‌خواه خلق» و «حزب حرکت ملی» با حمایت ارتش این کشور به قدرت می‌رسیدند و بیش‌تر با گرایش‌های ملی‌گرایانه، سیاست‌های کمالیستی و جهت‌گیری قوی ترکی و لائیک تعریف می‌شدند، اما با حضور حزب عدالت و توسعه در صحنه سیاسی ترکیه، این احزاب به حاشیه کشیده شده‌اند. «حزب جمهوری‌خواه خلق» به عنوان نخستین حزب سیاسی و مهم‌ترین حزب چپ میانه این کشور در شرایط فعلی به رهبریت «کمال قلیچ‌داراغلو»^{۱۹} اصلی‌ترین رقیب حزب عدالت و توسعه به شمار می‌آید. از جمله پایه‌های قدرت بخش این حزب جهت کسب آرای مردمی، پایه‌گذاری آن توسط «مصطفی کمال آتاتورک»^{۲۰} است (موسوی، ۱۳۹۰: ۲). به نظر بسیاری از سیاست‌مداران ترکیه، «حزب جمهوری‌خواه خلق» تنها قدرت داخلی ترکیه در خلع ید اردوغان از حاکمیت تک‌جانبه در حکومت است؛ به طوری که تمام تلاش این حزب در ناتوان کردن حزب عدالت، جهت کسب آرا از مناطق کردنشین معطوف است.

۴. بحران ترکیه و چالش‌های حزب عدالت و توسعه

در فضای سیاسی و اجتماعی امروز ترکیه، مسائلی چون شکاف درونی حزب عدالت و

توسعه، مناقشات سوریه و عراق و تاثیر آن بر جایگاه حزب عدالت، رکود اقتصادی و پیوستن به اتحادیه اروپا از جمله مواردی هستند که می‌توانند در آینده این حزب به‌خصوص در رقابت با احزاب رقیب خطر آفرین باشند. در توضیح این مسئله باید گفت که خروج برخی از چهره‌های مهم حزب از جمله «عبدالطیف شنر»^{۲۱} و «داووداگلو» از دایره قدرت و اختلاف با برخی سران دیگر حزب چون «بولنت آرینچ»^{۲۲} (Mehmet, 2016) نشان می‌دهد که حزب عدالت هم‌اکنون از شکاف درون‌حزبی رنج می‌برد. بی‌گمان، این بحران رهبری که اولین نشانه‌های آن پس از حادثه پارک گزی در رفتار متناقض اردوغان و عبدالله گل دیده شد، در عرصه رقابت‌های حزبی چالش برانگیز باشد. از طرفی، دولت اردوغان شاهد کم‌رنگ شدن حمایت بخشی از جامعه ترکیه از جمله روشنفکران علوی تبار از مواضع آنکارا در رابطه با مناقشات سوریه و عراق است. با استفاده از این فضای پیش آمده، «کمال قلیچداراگلو» رهبر حزب «جمهوری خلق» پیرو مکتب علوی، سعی می‌کند تحلیل جامعه علوی را نسبت به تعصبات مذهبی اردوغان عمیق‌تر سازد، چراکه این حزب همواره خود را سخنگوی علویان نشان داده است (فلاح، ۱۳۸۵: ص ۲۲).

افزون بر این مسائل، وقوع کودتای ۱۶ جولای ۲۰۱۶ میلادی در ترکیه مسیر سیاسی این کشور را با چالش‌های جدیدی مواجهه کرد. این کودتا که با اشغال و بمباران مراکز مهم دولتی در آنکارا و استانبول آغاز گردید، پس از انتشار اعلامیه ارتش مبنی بر غیرقانونی بودن دولت و سرنگونی آن از تلویزیون دولتی، در یک حرکت بی‌سابقه جمعیت قابل توجهی از طرفداران اردوغان با حضور در خیابان‌ها از دموکراسی در برابر کودتا دفاع کردند و این کودتا در همان دقایق اول محکوم به شکست گردید (Hacaloglu, 2016 and somer, 2016). در تبیین چرایی این شکست دلایل چندی چون عدم یک‌پارچگی درونی ارتش و حمایت بخش مهمی از فرماندهان ارتش چون ژنرال «وموت دوندار»^{۲۳} و دیگر فرماندهان از اردوغان، خنثی شدن جریان «ارگنه کن»، کم‌تجربگی سربازان حاضر در کودتا، ویژگی شخصیتی اردوغان به عنوان رهبری فرهمند و مدیریت قوی وی، حضور مردمی، نقش پلیس و شورای عالی امنیت ملی، نقش سازنده احزاب مخالف و رسانه‌های ترکیه را می‌توان مدنظر داشت. با این حال، شکست کودتای ۱۵ جولای ترکیه و نتایج این شکست، سبب گمانه زنی‌هایی در باب تصنعی بودن این کودتا شد و عده‌ای آن را توطئه‌ای از

21 Abdüllatif Şener

22 Bülent Arınç

23 Ümit Dündar

سوی اردوغان در راستای مشروعیت بخشیدن به سرکوب‌های داخلی دانستند.

ابهام در آینده سیاسی ترکیه، تشدید بی‌ثباتی داخلی، تهدیدات تروریستی در نتیجه ضعف ارتش، تضعیف توان نظامیان در مبارزه با شبه‌نظامیان «پ.ک.ک» و هم‌چنین رکود شاخص‌های اقتصادی و سناریوی تأسیس نظام سیاسی اقتدارگرا با حذف مخالفان توسط اردوغان از پیامدهای مهم احتمالی داخلی کودتای ترکیه است که وضعیت امروز این کشور را به شدت به خود درگیر نموده و به شکل آشکاری ضعف نهادهای دولتی را به تصویر کشیده است. اما در بعد منطقه‌ای، احتمالاً مهم‌ترین تأثیر کوتاه‌مدت این کودتا بر صحنه میدانی تحولات سوریه باشد. حال با توجه به مسائل یادشده در بالا باید پذیرای هرگونه سناریویی اعم از اردوغان ضعیف، اردوغان قدرت‌مند و حتی ترکیه بدون اردوغان هم باشیم.

۵. سناریوهای مطرح در مورد آینده سیاسی حزب عدالت و توسعه

۱-۱-۵. آینده مطلوب

۱-۱-۵. سناریوی مطلوب اول: پیروزی نهایی حزب عدالت و توسعه و به

حاشیه راندن احزاب رقیب

حزب عدالت و توسعه از سال ۲۰۰۲ میلادی گام‌های موفقیت‌آمیزی را در مسائل داخلی و خارجی برداشته است؛ گام‌هایی که باعث حمایت‌های قشر مختلف مردمی شده است. برنامه‌ریزان دولت اردوغان در کنار سیاست‌های اقتصادی چون خصوصی‌سازی، همراهی با اقتصاد بازار جهانی و افزایش سطح رفاه در نواحی توسعه‌نیافته (Kalin, 2013: 430-431)، به اصلاحات اجتماعی نیز دست زدند. رعایت حقوق بشر، حق شهروندی، حذف اعدام از مجازات‌ها، تأکید بر رعایت حقوق اقلیت‌های قومی و دینی، کاهش تعداد و نقش نظامی‌ها در منصب اجرایی، جذب چهره‌های لائیک و حتی جذب نخبگان کرد باعث شد تا این برداشت در ذهن ترک‌ها و قشر وسیعی از نظامیان شکل بگیرد که اسلام‌گرایان حزب عدالت و توسعه افرادی دموکرات و قانون‌گرا هستند (Bahchali&Noel, 2011: 112).

از سویی، «حزب جمهوری خلق» و «حرکت ملی» به عنوان دو رقیب مهم حزب عدالت و توسعه، به دلیل تداوم مشکلات درونی و بیرونی چون عدم توانایی در تشکیل دولت ائتلافی و مدیریت جامعه در دوران گذر و عدم موضع‌گیری شفاف نسبت به عملیات نظامی «پ.ک.ک» قدرت ابتدایی خود را از دست داده‌اند؛ به طوری که در انتخابات محلی مارس ۲۰۰۹ میلادی به پیروزی چشم‌گیر دست نیافتند. البته نمی‌توان مسئله پایگاه رهبری آنان را نیز

نادیده گرفت؛ چرا که در ترکیه افراد و رهبران کاریزما گاه به اندازه خود حزب اهمیت دارند. به طوری که حزب «جمهوری خلق» به دلیل سابقه تاریخی و انتسابش به نام حزب «آتاتورک» همواره آرای مردمی را کسب کرده است. ولی کاهش محبوبیت رهبران این حزب به عنوان اصلی‌ترین رقیب حزب عدالت و توسعه سبب شده است تا در میان مردم جایگاه سابق را نداشته باشند (نورالدین و همدانی، ۱۳۸۳: ۱۴۲-۱۴۴).

اردوغان با تمرکز بر ائتلاف سیاسی سه حزب «جمهوری خلق»، «حرکت ملی» و «دموکراتیک خلق‌ها» به طرز ماهرانه‌ای مذاکرات ائتلافی پس از انتخابات ماه ژوئن را به بن‌بست کشاند و در همان حال علیه «پ. ک. ک.» جنگ به راه انداخت. از طرفی با رد پیشنهاد ائتلاف از سوی «باغچه‌لی»^{۲۴} رهبر حزب حرکت ملی، موفق شد حدود دو میلیون آرای حامیان این حزب را نیز به نفع حزب عدالت و توسعه تغییر دهد. هم‌چنین تمایل رهبر حزب «دموکراتیک خلق» یعنی «صلاح‌الدین دمیرتاش» به چپ‌گرایان سکولار سبب گردید تا حدود یک میلیون از رأی حزب «دموکراتیک خلق» که بیش‌تر متعلق به کردها بود به سوی دو حزب جمهوری خلق و حزب عدالت و توسعه روانه گردد.

این مسائل نشان می‌دهد که دولت اردوغان در رقابت‌های پرتنش حزبی، تجربه‌ای بسیار زیاد و تئورسین‌های قوی دارد و همواره پیروز این میدان بوده است. همین امر در کنار مدیریت راهبردی خطیر بحران ترکیه از سوی حزب، حمایت‌های سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی، بهره‌برداری از حمایت‌های سیاسی برخی دول غربی و عربی (Patton, 2006: 513-540)، نشانه‌های افول سه حزب «جمهوری خلق»، «حرکت ملی» و «دموکراتیک خلق» را آشکار کرده است. این سه حزب، امروزه از قدرت و پشتوانه کافی برای ایفای نقش یک اپوزیسیون موفق بهره‌مند نیستند. به عنوان مثال، حزب جمهوری خلق که پس از آن‌که چند سال پیش با افشای رسوایی اخلاقی برخی از سران خود و نیز مشارکت با سازمان «ارگنه‌کن» روبه‌رو گردید، دچار تغییرات زیادی در عرصه مدیریت شد. این حزب به همراه حزب «حرکت ملی» به دلیل برخورداری از ایدئولوژی افراطی «سکولاریستی - ملی‌گرایی» و نیز هم‌گام نشدن با وجوه مذهبی و بومی ترکیه، نتوانسته‌اند پایگاه مناسبی برای خود کسب نمایند. با وجود این، دو حزب یادشده نمی‌توانند به منظور افزایش قدرت خود ائتلافی مناسب با یکدیگر داشته باشند.

حزب «جمهوری خلق» به عنوان مهم‌ترین حزب مخالف دولت، سرنوشتی بهتر از سایر

احزاب نلارد. اېن حزب در حوزه رهبري و حيات فكري خود، دچار اختلاف نظر و چند دستگي داخلي شده است. چنانچه مشاهده كرديم، پس از انتخابات قبلي يعني جولاي ۲۰۱۵ ميلادي هيچ يك از احزاب حاضر به ائتلاف نبودند و وضعيت سياسي بحراني را به وجود آوردند، همين مسئله سبب شكستن رأی اېن حزب در كارزار انتخابي شد. مي توان گفت پيروزي هاي حزبي اردوغان طي سالهاي اخير بيش از هرچيز نتيجه سرخوردگي و بي ميلي مردم تركيه نسبت به نخبگان و احزاب سياسي پرسابقه كشور به ويژه به خاطر اتهامات بي شماری كه انگشت اتهام به فساد سياسي را متوجه آنان مي كند، بوده است.

گرچه در طي چند سال پايان دوران نخست وزيري اردوغان و نزديك به انتخابات رياست جمهوري، حزب با تنشها و نارضايتي بسياري از جمله جريان فتحالله گولن، فساد اقتصادي، شكست سياستهاي منطقه اي تركيه و اعتراضات داخلي چون ماجرای پارک گزي و... روبه رو شد و آينده حزب اردوغان را در باور برخي پژوهشگران مبهم و حتي شكست خورده ترسيم كرد، باز هم پيروز ميدان انتخاباتي حزب عدالت و توسعه بود و اېن نشان از قدرت ريشه دار اېن حزب در جامعه تركيه دارد؛ به طوري كه حتي در بخشهاي گسترده اي از خاك اېن كشور موفق شدند كرسي هاي شهرداري ها را نيز از آن خود كنند. علاوه بر اېن، حزب و عدالت و توسعه در بحث حمايت از عضويت تركيه در اتحاديه اروپا، موفق شد محبوبيت خود را بالا ببرد؛ چراكه سياستمداران جمهوري خلق با رويكرد سرسختانه در برابر اتحاديه اروپا، بر عضويت در اېن اتحاديه بدون دادن امتياز خاصي تأكيد دارند. حزب حركت ملي نيز نگاه چندان مثبت و خوش بينانه اي نسبت به عضويت در اتحاديه اروپا ندارد (نورالدين، ۱۳۸۳: ۸-۱۰). به نظر مي رسد انجام اصلاحات مورد نظر اتحاديه اروپا، منجر به کاهش قدرت ارتش و سست شدن پايه قدرت مند احزاب سكولار بوده است. كه خود اېن عامل تأثير بسياري در سوق دادن ارتش به سمت انجام كودتا عليه دولت اردوغان داشته است.

اما جريان كودتاي ۱۵ جولاي ۲۰۱۶ ميلادي، بيش هر چيز بر جايگاه قدرت مند حزب معترف بود، چراكه براي اولين بار در اېن كشور طرفداران اردوغان به خيابانها آمدند و از اردوغان در برابر كودتا محافظت كردند. با وجود نارضايتي هاي اشاره شده در موارد بالا پس چرا مردم و جامعه تركيه از حكومت اردوغان حمايت كردند؟ بي گمان از يك طرف وجود نهادهاي اقماري كارآمد در همه حوزه هاي سياسي، اجتماعي، اقتصادي و فرهنگي قدرت مند كه در حفظ محبوبيت مردمی حزب كوشا بوده اند و از طرفي ديگر، برخورداری از يك كارنامه خوب در حوزه هاي هم چون مبارزه با «پ. ك. ك» و تضعيف بي سابقه شاخه

نظامی آن، به حاشیه راندن مخالفین، جان دادن به اقتصاد، تأمین رضایت نسبی اغلب طبقات اجتماعی در حوزه‌های مختلف و پیش‌روی در مسیر سیاست خارجی و از همه مهم‌تر در سامان دادن به یک بدنه حزبی بسیار منسجم و منظم، سبب شده است تا اردوغان در مقام رهبر و معمار این حزب، در موقعیت ویژه‌ای قرار گرفته و از توان اتخاذ تصمیمات خارق‌العاده و دست زدن بر ریسک‌های بزرگ برخوردار باشد.

۵-۱-۲. سناریوی مطلوب دوم: رهبری منطقه‌ای حزب عدالت و توسعه

ترکیه تلاش سازمان‌یافته و گسترده‌ای به راه انداخته تا مدیریت و رهبری جریان بازی‌های منطقه‌ای جهان اسلام را بر عهده بگیرد. به نظر می‌رسد این چیزی است که آمریکا و غرب به عنوان متحدان استراتژیک ترکیه در سطح بین‌المللی نیز به دنبال آن هستند؛ چراکه آن‌ها بیش‌تر در پی آفرینش منظومه‌ای از کشورهایی هستند که هرچند در اذهان عمومی و در تمامی جریان‌های دنیای امروز، نقش تعیین‌کننده داشته باشند، ولی در حقیقت به شکل غیرمستقیم پیش‌برنده اهداف و سیاست‌های آنان به حساب آیند. بر این اساس، از زمان به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه، اساس سیاست خارجه ترکیه به تعبیر «احمد داووداوغلو» رویکرد «عمق استراتژیک» و «مشکل صفر با همسایگان» بوده است. داووداوغلو در استدلال‌های خود ترکیه را قدرت بزرگ منطقه‌ای می‌بیند که به‌عنوان یک کشور کلیدی باید نقش فعال و دیپلماتیک سیاسی و اقتصادی در حوزه وسیعی از منطقه پیرامون‌اش ایفا کند و گستره جغرافیایی امپراطوری‌های عثمانی و بیزانس را منعکس نماید (شکوهی، ۱۳۹۰: ۹-۱۰).

آنکارا در چارچوب استراتژی مشکل صفر با همسایگان، روابط نزدیک‌تری با رقبای ویژه خود یعنی سوریه، ایران و عراق برقرار نموده است و در حل اختلافات بین رژیم صهیونیستی و سوریه (۲۰۰۸-۲۰۱۰) و همین‌طور پرونده هسته‌ای ایران چهره‌ای میانجی به خود گرفته است (Davutoglu, 2010: 13). قرار گرفتن خاورمیانه در کانون توجه سیاست‌گذاران ترکیه نشان از وجود بعد قدرت‌مند هویتی در سیاست خارجی جدید این کشور دارد. ترکیب این مسئله با تاریخ و جغرافیا و نمود آن در دکترین عمق استراتژیک سبب می‌شود تا ترکیه هدف خود در خاورمیانه را از تبدیل شدن به قدرت منطقه‌ای تغییر داده و تبدیل شدن به «قدرت مرکزی»^{۲۵} یا به عبارتی فراتر از خاورمیانه، رهبری چندین منطقه از

جمله آسیای مرکزی، قفقاز و ... را در دستور کار خویش قرار دهد و از تمامی موقعیت‌های فراهم‌شده استفاده نماید. برای ترک‌ها داشتن روابط ویژه با آمریکا و غرب (عضویت در ناتو)، تصمیم‌گیری‌های مستقل از آمریکا مانند مسئله عراق، تداوم حضور مؤثر آمریکا در منطقه و بحران‌های منطقه‌ای خاورمیانه، دارایی‌هایی محسوب می‌شوند که می‌توانند از آن‌ها برای تبدیل شدن به قدرت مرکزی استفاده کنند (فلاح، ۱۳۹۰: ۲۳۷-۲۳۶). این امر در شیوه برخورد ترکیه با بحران‌های منطقه قابل شناسایی است.

این کشور از آن جایی که نقش قدرت مرکزی منطقه را از آن خود می‌داند، در راستای تقویت این جایگاه حق تصمیم‌گیری و عمل اختیاری در برابر آمریکا و غرب را برای خود محفوظ می‌داند و گاه موافق آمریکا و گاه مخالف خواست آن کشور عمل می‌کند. برای مثال، در مسئله هسته‌ای ایران از حق ایران دفاع می‌کند و در بحران سوریه با آمریکا هم‌رأی می‌شود. این نوع برخورد می‌تواند باعث امتیازگیری از آمریکا و متحدان اروپایی‌اش به منظور عضویت در اتحادیه اروپا شود و حتی می‌توان ادعا کرد که با توجه به حمایت‌های اخیر آمریکا از عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا، تا حدودی این مهم به دست آمده است.

به دنبال شروع موج اعتراضات و جنبش مردم عرب، ترکیه سعی دارد با مثبت نمودن دید اعراب و افکار عمومی این کشورها نسبت به ترکیه در پذیرش رهبری این کشور در منطقه مشکلی از سوی اعراب پیش نیاید. این مسئله برای آنکارا اهمیت دارد؛ چراکه اردوغان با همراهی آمریکا و غرب به دنبال مطرح نمودن ساختار حکومتی خود به عنوان الگویی در جهان عرب نیز هست. بر این مبنا، پروژه کار روی افکار عمومی جهان عرب با استفاده از قدرت نرم هم‌چون تولیدات سینمایی و حمایت‌های اردوغان از فلسطین به همراه موضع‌گیری وی در تحولات کشورهای عربی، پرده‌هایی از این سناریوست. ردپای قدرت نرم و تلاش برای ایجاد جایگاهی مثبت نزد افکار عمومی به خوبی در این جملات داووداوغلو قابل تشخیص است: «وقتی که خیزش عربی در تونس آغاز شد، یک چالش بزرگ به حساب آمد، یک چالش بزرگ برای منطقه و یک چالش بزرگ برای ترکیه و ما از خود پرسیدیم حال سیاست خارجی ما چه باید باشد؟ پاسخ ما این بود: باید خواست مردم عرب را حمایت و پشتیبانی کنیم» (Davutoglu, 2012).

برخلاف حزب عدالت و توسعه، اعضای تشکیلات کمالیستی هم‌چون حزب «جمهوری خلق»، در پی نوعی احتیاط و عدم دخالت در مسائل منطقه‌ای و خاورمیانه هستند. بی‌علاقگی به تحولات جهان اسلام، بی‌اعتمادی به سیاست‌مداران محافظه‌کاری چون اردوغان و قرار

دادن ارتش به عنوان سنگر اصلی خود در مقابل اسلام سیاسی، سبب شده است تا آنان به روابط نزدیک‌تر با کشورهای سکولار و اقتدارگرا مانند روسیه، چین، آذربایجان و... گرایش داشته باشند. به عبارت دیگر، سیاست خارجی حزب «جمهوری خواه خلق» بر مبنای یک دستور کار ایدئولوژیک وسیع‌تر از اسلامیزاسیون با یک اتحاد مذهبی است و همین سیاست نگرش به غرب به عنوان اصل نخست کمالیسم، موضع‌گیری سیاست خارجی ترکیه را در قبال خاورمیانه تحت تأثیر قرار خواهد داد (Taspinar, 2012: 133).

با توجه به فعال شدن سیاست خارجی ترکیه نسبت به خاورمیانه در یک دهه گذشته و ابتکارات و اقدامات خاص دولت اردوغان، قابل پیش‌بینی بود که با اوج‌گیری انقلاب‌های مردمی تونس، مصر، لیبی و نیز تحولات و ناآرامی‌ها در سوریه، دولت اردوغان مواضع فعالی را نسبت به این تصمیمات اتخاذ کند. حضور داووداوغلو در تونس پس از سقوط رژیم «زین العابدین بن علی»^{۲۶} نشان می‌دهد که ترکیه به دنبال اجرای سیاست‌های خاورمیانه‌ای خود در تونس بود. وی در این سفر، انقلاب تونس را مدلی برای سایر کشورها جهت اصلاحات سیاسی و اجتماعی خواند (Sawyer Clive Leviev, 2011). موضوع احتمال تأثیرگذاری ترکیه بر انقلاب تونس زمانی بیش‌تر مطرح شد که «راشد الغنوشی»^{۲۷}، رهبر تبعیدی اسلام‌گرایان تونس، پس از بازگشت به کشورش اعلام کرد که خود را به لحاظ فکری نزدیک به حزب عدالت و توسعه می‌داند.

در واکنش به تحولات مصر و حضور مردم در میدان التحریر قاهره، اردوغان به طور شدیدالحنی از «حسنی مبارک» رئیس‌جمهور مصر خواست که از قدرت را کناره‌گیری کند (Kardas, 2011). این موضع‌گیری محبوبیت اردوغان را در میان معترضان مصری به دنبال داشت. به اعتقاد برخی از کارشناسان، اظهارات صریح اردوغان در مورد انقلاب مصر مؤید تمایل برای نقش‌آفرینی فعال‌تر در تحولات منطقه بود. «در لیبی زمانی که داووداوغلو در اوایل جولای از «بنغازی»^{۲۸} دیدار کرد، از سوی جمعیت زیادی از مخالفان «قذافی»^{۲۹} که شعار تشکر از ترکیه را سر می‌دادند، مورد استقبال قرار گرفت» (Ozerkan, 2011). به طور کلی، ترکیه در صدد است تا با بهره‌گیری از این ابزارها و سایر اهرم‌ها، نقش مهمی را در افزایش قدرت و مانور سیاسی و ارتقای جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی خود ایفا نماید. از طرفی، تضعیف موقعیت

26 Zine El Abidine Ben Ali

27 Rached Ghannouchi

28 Benghazi

29 Muammar Gaddafi

دو بازیگر مهم، یعنی مصر و عربستان، به خصوص بی ثباتی سیاسی این کشورها فضای بیش تری را برای نفوذ منطقه‌ای آنکارا فراهم کرده است. هم چنین فقدان رهبری قدرت مند انقلاب‌ها و جنبش‌های عربی تمایل مقامات ترکیه را برای هدایت این انقلاب‌ها افزایش داده است و همین مسائل نشان‌دهنده مطرح شدن ترکیه به عنوان قدرت منطقه‌ای مهم است.

بی گمان در یک چنین فضایی، ترکیه به منظور تقویت نقش و نفوذ منطقه‌ای خود، مایل به رهبری پروسه اصلاحات سیاسی در منطقه خواهد بود؛ چراکه با سرنگونی برخی رژیم‌های اقتدارگرای خاورمیانه و شمال آفریقا، پرسش‌های بنیادینی در خصوص شکل و ماهیت نظام سیاسی جانشین این رژیم‌ها مطرح گردید. در چنین شرایطی، دولت ترکیه تلاش خواهد کرد تا الگوی حکومتی خود را به عنوان الگوی مناسب به کشورهای منطقه معرفی نماید؛ به ویژه پس از اظهار نظرهایی که از سوی برخی نیروهای انقلابی مبنی بر مطلوبیت مدل ترکیه مطرح شد. به عنوان مثال، روزنامه چاپ استانبول از قول «جمال ناصر» از سخن‌گویان اخوان المسلمین مصر نوشته بود که: «اخوان المسلمین مصر می خواهد یک نظام دموکراتیک در مصر حاکم شود و ترکیه مدل حکومتی اخوان المسلمین مصر است». این اظهارات سبب شد که مقامات ترکیه تحولات اخیر در منطقه را فرصتی برای تقویت قدرت نرم خود در نظام بین‌الملل، از طریق تسری الگوی حکومتی خویش به این کشورهای انقلابی بدانند. بر همین اساس «احمد داووداوغلو» ترکیه را در جریان نشست با سفرای غربی و عربی یک منبع الهام برای منطقه دانست (Hale, 2012: 135).

به نظر می‌رسد که جنبه‌های اسلامی حکومت ترکیه که از آن به عنوان «اسلام میانه‌رو» یاد می‌کنند (هرمان، ۱۳۸۳: ۱۱۹) و نیز تأکید ویژه بر توسعه و پیشرفت اقتصادی، زمینه بالایی برای پذیرش این نوع حکومت در کشورهای حوزه خاورمیانه ایجاد می‌کند. سیاست‌مداران ترکیه توانسته‌اند با ابتکار عمل و نوآوری در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی، خود را نه تنها به عنوان بازیگر منطقه‌ای، بلکه به عنوان عضو فعال دنیای اسلام نیز معرفی کنند. در عین حال، این کشور طی چندین سال در یک روند کاملاً دموکراتیک حرکت و ترکیبی از آشتی موفقیت‌آمیز اسلام با دموکراسی، حکومت قانون و توسعه اجتماعی را به نمایش گذاشته است. این استراتژی در تبدیل شدن ترکیه به الگوی مناسب حکومتی مؤثر است. ترکیه از بحران‌های منطقه‌ای به منظور بالا بردن اعتبار منطقه‌ای خود بالاخص حفظ نقش میانجی در بین کشورهای منطقه فرصت‌سازی می‌کند. آنکارا سیاست چندگانه در حفظ روابط خود با مسائل منطقه‌ای و جهانی دارد. در این میان، نقش‌پذیری در خاورمیانه می‌تواند به عنوان سکوی پرتابی برای تبدیل شدن ترکیه

به قدرت فرامنطقه‌ای عمل کند. در واقع، سران حزب عدالت و توسعه با درک ویژگی‌های «ژئوپلیتیکی»، «ژئواستراتژیک» و «ژئواکونومیکی» می‌توانند از آن برای بالا بردن توان ملی خود بهره‌مند شوند و ترکیه را به قدرت فرامنطقه‌ای تبدیل نمایند. البته لازم به توضیح است که «کمالیست‌ها و منتقدین سکولار با پافشاری بر این نکته که کنش-گری ترکیه در خاورمیانه، نوعی خیانت به تمایلات و گرایش‌های غربی جمهوری ترکیه است، در پی نوعی احتیاط و عدم دخالت در جهان عرب هستند» (Taspinar, 2012: 130). با در نظر گرفتن موارد یاد شده و توجه به جایگاه استراتژیکی این کشور، باید گفت که ترکیه به رهبری حزب عدالت و توسعه یکی از قطب‌های مهم قدرت در جهان اسلام به حساب می‌آید. بی‌گمان کسب چنین پایگاه منطقه‌ای، ترکیه را می‌تواند در تعامل و یا تقابل با سایر قطب‌های قدرت جهان اسلام، یعنی مصر، عربستان و ایران قرار دهد.

۲-۵. آینده محتمل

۱-۲-۵. سناریوی محتمل اول: کاهش محبوبیت داخلی و خارجی حزب

عدالت و توسعه و فروپاشی دولت اردوغان

حزب عدالت و توسعه پس از قدرت‌یابی در سیاست داخلی، بیش‌تر به عنوان حزب فراگیر و عمل‌گرا ظاهر شد. اردوغان و هم‌مسئولان‌اش در پی‌ریزی سیاست‌های داخلی موفق عمل کرده و توانستند رقیبان خود را کنار بگذارند. با وجود این، اگر به تحولات داخلی و خارجی ترکیه در سال‌های پس از ۲۰۱۰ میلادی توجه کنیم، خواهیم دید که «عصر طلایی حزب عدالت و توسعه، از این مقطع، پویایی سابق خود را از دست داده است» (مصیب‌زاده، ۲۰۱۱) و مخالفان رهبری این حزب افزایش یافته است. سؤالی که ذهن هر خواننده‌ای را به خود معطوف می‌کند چرایی این مسئله است؟ اردوغان سعی دارد با تغییر حکومت و نیز دست بردن در قانون اساسی این کشور، قدرت خود را افزایش دهد. این در حالی است که وی برای تصویب چنین قانونی نیازمند حمایت احزاب مخالف است. ولی احزاب رقیب در مجلس ترکیه مثل «جمهوری خلق»، مدعی هستند که در صورت تصویب این قانون، سیستم حکومتی ترکیه به سوی استبداد و دیکتاتوری پیش خواهد رفت. «این رفتار حزب عدالت باعث شد که اردوغان متهم به دیکتاتوری شود». باید گفت که مخالفت احزاب شاید بی‌دلیل نباشد، زیرا در صورت تغییر حکومت از پارلمانی به ریاستی، پارلمان و نظام انتخاباتی حزبی و احزاب مخالف اردوغان بسیار تضعیف می‌شوند و برای یک دوره طولانی ترکیه در تسلط

حزب عدالت و توسعه خواهد ماند و اردوغان به قدرت‌مندترین فرد ترکیه تبدیل خواهد شد؛ چراکه از جمله اهداف مهم این فرزندوم حذف سمت نخست‌وزیری و تمامی ارگان‌های وابسته بدان، گسترش حیطه اختیارات رئیس جمهوری چون: دستیابی به جایگاه فرماندهی کل قوای این کشور، تشکیل کابینه توسط رئیس جمهور بدون دخالت مجلس، عدم نیاز وزرای انتخابی به رأی اعتماد مجلس و حذف نظارت نمایندگان مجلس به برنامه‌های اجرایی است و این به معنای پایان قدرت نظارت و رسیدگی قوه مقننه این کشور بر قوه مجریه است. اگر اردوغان به هر دلیلی نتواند در تغییر سیستم حکومتی موفق شود، این مسئله می‌تواند در فضای رقابت‌های حزبی به منزله شکست برای حزب عدالت به شمار آید و در نتیجه، منجر به عقب‌نشینی سران آن در رقابت با احزاب رقیب شود.

در کنار دنبال کردن چنین اهدافی از سوی سران حزب، وقوع حوادثی چون پارک گزی و رسوایی‌های مربوط به فساد دولتی در دسامبر ۲۰۱۳ میلادی را می‌توان نقطه آغاز سراسیبهی محبوبیت داخلی اردوغان دانست. به گفته پژوهش‌گران، حادثه پارک گزی که ابتدا صرفاً برای مخالفت با تخریب پارک و فضای پیرامونی آن شکل گرفته بود، با پیوستن معترضان که از این مناقشه به عنوان راهی برای بیان نارضایتی‌های خود در برابر دولت استفاده می‌کردند، ابعاد وسیع‌تری یافت و سبب برخورد دولت با آنان گردید (Baykal, 2013: 5).

در واقع، اردوغان به جای این‌که از طریق فرایندهای دموکراتیک، به نگرانی‌ها و دغدغه‌های مردم پایان بخشد و اتهاماتی که در خصوص اقتدارگرایی به وی نسبت داده می‌شد را بی‌اعتبار سازد، با تکیه بر نظریه توطئه و تحلیل غیرواقعی و بی‌ثمر، نه تنها نگرانی‌ها و دغدغه‌های مردم را نادیده گرفت، بلکه با در نظر گرفتن دموکراسی در مفهوم اکثریتی آن، نیمی از جمعیتی را که از وی حمایت کرده بودند را در برابر نیمه دیگر قرار داد و عملاً دو جبهه بزرگ سیاسی را به وجود آورد که رویاروی هم قرار داشتند (Kadercan, 2013). با توجه به موارد یادشده، به نظر می‌رسد که در صورت عدم مدیریت بحران‌های اخیر از سوی اردوغان، مشروعیت و قدرت وی زیر سؤال خواهد رفت. در این صورت، ادامه حضور اردوغان در رأس قدرت را باید بیش‌تر ناشی از نبود جایگزین مناسب برای وی و ترس از عدم وجود امنیت داخلی دانست. ترسی که با بمب-گذاری‌های اخیر در آنکارا و استانبول بیش از پیش در میان مردم ترکیه رخنه کرده است.

البته نباید صرفاً وقوع حوادثی این‌چنینی را تنها عامل در افول قدرت اردوغان دانست، بلکه باید گفت که مؤلفه‌های تأثیرگذار دیگری نیز می‌توانند دخیل باشند؛ از جمله تداوم

انشقاق و انفعال ایجاد شده میان اعضای حزب می‌تواند حتی به استعفای اردوغان نیز بیانجامد و صحنه سیاسی را برای احزاب رقیب، به‌خصوص حزب «جمهوری خلق» خالی بگذارد. ولی در صورتی که اردوغان بتواند با مدیریت بحران، از این وضعیت به نحو شایسته‌ای خارج شود و از انشقاق درون حزب جلوگیری کند، چه بسا جبران مافات شود و وجهه عدالت و توسعه تا حدود زیادی به شرایط قبلی بازگردد. این در صورتی است که اردوغان بر تیرئه بی‌مورد فساد مالی نزدیکان‌اش اصرار نورزد و شفافیت و عدالت، همان‌گونه که شعار این حزب است، در عملکرد دولت تشکیل شده از سوی حزب نمایان گردد تا اعتماد قبلی مردم به سوی کانون رهبری آن جلب شود.

روابط تیره شده بین اردوغان با گولن، از جمله دلایل دیگر در بیان سناریوی افول قدرت اردوغان است. این روابط تیره زمانی از حساسیت بیش‌تری برخوردار شد که در سال ۲۰۱۳ میلادی گولن به افشاگری در رابطه با سوءاستفاده‌های نزدیکان اردوغان از قدرت و پول شویی‌های صورت گرفته پرداخت (Balik, 2014). به عبارتی، جریان اسلام‌گرای گولن به‌عنوان رقیب مهم حزب عدالت و توسعه در عرصه گفتمان اسلام‌گرای ترکیه است و با تشکیل یک دولت موازی، سعی دارد دولت اردوغان را سرنگون کند. در همین رابطه است که اردوغان رقیب خود را عامل کودتای ۱۵ جولای می‌داند و از آمریکا خواستار استرداد وی شده است. بنا به عقیده گروهی از تحلیل‌گران برخی از سیاست‌ها و رویکردهای سخت‌گیرانه و انحصارگرایانه دولت ترکیه و شیوه تقابل با نظامیان و خارج کردن آنان از دامنه سیاست این کشور که نتیجه‌ای جز افزایش نارضایتی در میان نظامیان ترکیه را نداشت از عوامل مهم در بروز کودتای ۲۰۱۶ میلادی است. این در حالی است که این حزب ادعا دارد، در طول دورانی که در مقام قدرت اول این کشور قرار داشته است، حرکتی پویا به سمت جامعه‌ای آزاد و دموکراتیک برداشته و سکان‌دار این حرکت کسانی چون «اردوغان»، «عبدله گل» و «داوود اوغلو» بوده‌اند. اما کودتای یادشده نشان داد که به‌رغم حمایت‌های مردمی از دولت، چالش‌های بحث‌برانگیزی در روابط دولت با جامعه ترکیه وجود دارد. اگر حوادث ذکر شده را از دلایل افول محبوبیت داخلی اردوغان بدانیم، بی‌گمان یکی از سناریوهای احتمالی را می‌توان چنین عنوان نمود که عدم توانایی این حزب در ایجاد امنیت داخلی و جذب رضایت مخالفان، اردوغان را از محبوبیت گذشته‌اش دور خواهد کرد و زمینه‌های افول و فروپاشی قدرت وی را در آینده فراهم نمود. در رابطه با دلایل کاهش پایگاه سیاسی و اجتماعی حزب اردوغان نمی‌توان رفتار

سیاسی این دولت را در مناقشات منطقه‌ای نادیده گرفت؛ به خصوص سیاستی که طی این سال‌ها آنکارا در رابطه با بحران سوریه اعمال نموده است. آنکارا در قبال ناآرامی‌های سیاسی در سوریه به لحاظ مواضع اعلامی به انتقاد صریح از دولت «بشار اسد» در برخورد با مخالفان داخلی روی آورد و خواستار پایان دادن به این برخوردها شد (بیات، ۱۳۹۰: ۱۶۳). میزبانی سه نشست گروه‌های مخالف دولت «بشار اسد» و پذیرش هزاران تن از آوارگان سوری نشانه آشکاری از سیاست‌های غیردوستانه دولت ترکیه نسبت به همسایه خود بود. مواضع ترکیه در قبال تحولات خاورمیانه به‌ویژه در قبال ناآرامی‌های سوریه نه تنها ثبات کل منطقه را با تهدید روبه‌رو نموده، بلکه به معکوس شدن روند روابط رو به پیشرفت سال‌های اخیر دو طرف نیز منجر گردیده است (Villelabeitia; Karadeniz, 2011). ترکیه در بازی سوریه، هم‌چنان که پیش‌ران‌هایی در اختیار دارد با موانع و دست‌اندازهایی نیز روبه‌روست. اشتباه اصلی اردوغان زمانی رخ داد که در راستای سیاست‌های خویش به صورت علنی وارد جنگ داخلی سوریه گردید؛ جنگی که پس از چندی به باتلاقی برای وی تبدیل شد و او را از رسیدن به اهداف‌اش در سوریه بازداشت. افول محبوبیت اردوغان در عرصه سیاست خارجی با موضع‌گیری صریح ترکیه بر ضد حکومت «بشار اسد» در طول جنگ داخلی سوریه کلید خورد. این مخالفت تا آن‌جا پیش رفت که بسیاری ترکیه را متهم به حمایت از داعش کردند.

چنان‌چه ترکیه به موضع‌گیری شدید خود در قبال اسد هم‌چنان ادامه دهد با انزوایی آشکار مواجه خواهد شد. این انزوای منطقه‌ای برای ترکیه می‌تواند تبعات مهمی چون حرکت به سمت اسرائیل و ترمیم روابط آنکارا با اسرائیل در بلندمدت را در پی داشته باشد. هرچند سیاستمداران دولت برای رهایی از انزوا به اسرائیل توجه خواهند نمود ولی این نزدیکی بازتابی جز کاهش اعتبار این دولت در جهان اسلام نخواهد داشت. البته حرکت ترکیه در راستای منافع آمریکا و نادیده گرفتن منافع جهان اسلام توسط این کشور، نگرش عمومی مردم خاورمیانه نسبت به نظام سیاسی ترکیه را منفی ساخته و امکان تبدیل آن به الگویی برای ملت‌های منطقه را از بین خواهد برد. از طرفی، ناامنی‌های اخیر منطقه در عین حال می‌تواند مسیر پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا را دشوارتر از قبل سازد. در واقع، تداوم ناآرامی‌ها در سوریه به عنوان یکی از همسایگان ترکیه سبب شده است تا مخالفان عضویت ترکیه با صلابت بیش‌تری استدلال‌های خود مبنی بر ناآرام شدن مرزهای اتحادیه اروپا در صورت پیوستن ترکیه را مطرح کنند.

لازم به ذکر است که تحولات سیاسی بی‌سابقه خاورمیانه و شمال آفریقا نقطه عطفی برای سیاست خارجی ترکیه به حساب می‌آید. اگر این تحولات در دوره زمامداری کمالیست‌ها و لائیک‌ها به وقوع پیوسته بود، احتمال داشت فضای سیاسی ترکیه کم‌تر خود را درگیر این تحولات نماید. اما اهمیت خاورمیانه در سیاست خارجی حزب عدالت، سطح درگیری آنکارا را با این تحولات به طور روز افزونی افزایش داده است. به گفته «یعقوب اصلان»^{۳۰}، از اعضای حزب وطن و نماینده شبکه تلویزیونی «اولوسال ترکیه»^{۳۱}، «اگر ترکیه بتواند با آینده‌نگری و واقع‌بینی، بازنگری جامع و فراگیری از سیاست خارجی‌اش در قبال منطقه و به‌خصوص سوریه انجام دهد و از طریق انعطاف‌پذیری نسبت به سوریه و همکاری‌های منطقه‌ای از مشکلات کنونی و انزوای منطقه‌ای رها شود، این همکاری می‌تواند صلح، ثبات و توسعه اقتصادی را برای این کشور به ارمغان آورد» (Gunul tol and Robertson, 2016).

۲-۲-۵. سناریوی محتمل دوم: تجزیه ترکیه و استقلال کردها

در طول تاریخ، کردها به‌خصوص از زمان آتاتورک تاکنون، همواره تلاش خود را بر کسب استقلال و تشکیل کشوری مستقل معطوف کرده‌اند. «طی تحولات اخیر خاورمیانه و تداوم بحران در سوریه، بار دیگر مسئله استقلال و تجزیه کردها در فضای سیاسی ترکیه مطرح شده است» (Walker, 2012: 2). به عبارتی، جریان‌های منطقه‌ای چون خودمختاری کردهای عراق و احتمال تجزیه کردهای سوریه، شرایط را از هر جهت برای استفاده این اقلیت جهت عملیاتی نمودن تمایلات تجزیه‌طلبانه خود مناسب کرده است. «در این میان، حزب کارگران کردستان ترکیه موسوم به «پ.ک.ک» که از بدو تشکیل در سال ۱۹۴۸ میلادی به منظور استقلال جنوب شرق ترکیه، با دولت این کشور مبارزه می‌کند (Kayhan, 2014: 82)، نقش مهمی را در پیگیری مطالبه کردها ایفا کرده است. این حزب که از طرف گروه‌های مختلفی چون جمعیت ۲۵ میلیونی کردهای ترکیه و سران برخی کشورهای اروپایی و خاورمیانه حمایت می‌شود (Korkmaz, 2005,1) به درخواست‌های خود مبنی بر به رسمیت شناخته شدن قانونی کردها، خودمختاری منطقه‌ای و تدریس زبان کردی در مدارس تأکید دارد». این در حالی است که ترکیه در به رسمیت شناختن جمعیت کرد به عنوان اقلیت منطقه‌ای در این کشور امتناع دارد. البته اردوغان

30 yegob aslan

31 Ulusal

تحت فشار جامعه بین‌المللی، کردهای کشورش را از چند حقوق فرهنگی، از جمله پخش برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی به زبان کردی بهرمند کرده است، اما سیاست‌مداران کرد ترکیه، باور دارند که این تدابیر انتظارات آنها را بر آورده نکرده است.

بی‌شک با توجه به «حمایت‌های آشکار و پنهانی آمریکا و اسرائیل از پ.ک.ک و آموزش آن‌ها در کوه‌های قندیل توسط افسران اسرائیلی، قدرت عمل وسیعی برای پ.ک.ک به وجود می‌آید؛ به طوری که این حزب پس از اشغال عراق توسط آمریکایی‌ها، حدود پنج تا هفت هزار نیروی مسلح فعال در شمال عراق و در داخل ترکیه را در اختیار گرفته است. از طرفی، هزار نیروی شبه نظامی نیز در شهرهای ترکیه، چه در مناطق جنوب شرقی و چه در مناطق غربی نظیر استانبول و از میر تحت نظر «پ.ک.ک» فعالیت می‌کنند» (Korkmaz, 2005) و این فرصتی است که قدرت لازم جهت کسب خودمختاری را فراهم می‌کند. در واقع، حمایت آمریکا از کردهای منطقه در افزایش قدرت این قومیت بی‌تأثیر نبوده است. آمریکا امروزه کردها را بهترین و قابل‌اعتمادترین متحد خود در کارزار جنگی نیابتی سوریه می‌داند. در همین راستا، طی چند سال گذشته نظامیان کرد سوریه معروف به «پ.ی.د.»^{۳۲} تبدیل به مؤثرترین متحد واشنگتن در جنگ زمینی با داعش در سوریه شده‌اند. اگر کردها با پشتیبانی آمریکا در جنگ با داعش قلمروشان را به سوی غرب گسترش دهند و موفق شوند دهلیزی در امتداد مرز ترکیه تشکیل دهند که از عراق تا سواحل مدیترانه امتداد داشته باشد، کنترل کردهای سوری بر چنین قلمرویی می‌تواند به تجزیه‌طلبی کردهای ترکیه دامن بزند. هم‌چنین، باید در نظر داشت که با توجه به شرایط داخلی فعلی در ترکیه در دورهٔ پسا‌کودتای نافرجام، افزایش اختلافات اردوغان با کردها، توقف روند صلح کردی و اختلافاتی که در خصوص استرداد «فتح‌الله گولن» میان آنکارا و واشنگتن پیش آمده است، آمریکا از کردهای ترکیه در رابطه با ایجاد کردستان مستقل بیش از دیگر کشورها بهره خواهد برد. از سویی، کردهای سوری توانسته‌اند با استفاده از ناآرامی‌های سوریه و حمایت حزب «کارگران کردستان ترکیه»، بر تمامی مناطق کردنشین سوریه مستولی شوند و پایگاهی مناسب را در اختیار «پ.ک.ک.» قرار دهند که در ایجاد فشار مضاعف بر ترکیه تأثیرگذار است؛ چراکه بی‌ثباتی در کردستان سوریه و به دست گرفتن کنترل این منطقه از سوی «پ.ک.ک.»، زمینه‌های حمله به مرزهای ترکیه از طریق سوریه را محتمل خواهد کرد، مسئله‌ای که

یکی از دغدغه‌های عمده آنکارا در رابطه با سوریه است و ترکیه را بیش از گذشته به سمت مبارزه برای تأثیرگذاری در آینده سوریه می‌کشانند. روابط تنش‌زای بین ترکیه و سوریه، هم‌اکنون در منافع دوجانبه دمشق و «پ.ک.ک» در استفاده هم‌سو علیه آنکارا تأثیرگذار است. سران ترکیه می‌دانند که اگر رژیم دمشق ماندگار باشد، حداقل برای یک بازه زمانی، دمشق حضور نیروهای «پ.ک.ک» در سوریه را تحمل و به «پ.ک.ک» ای نمودن اپوزیسیون کرد در سوریه، ادامه خواهد داد.

نتایج پژوهش بر پایه روش آینده پژوهی، نشان می‌دهد که علی‌رغم شکست کودتای ۲۰۱۶ و موفقیت چشم‌گیر دولت در خنثی کردن این کودتا، آن‌چه در مقام عمل در ترکیه روی می‌دهد، تلاش برای تداوم مناسبات اقتدارگرایانه دولت اردوغان است. تلاش برای تغییر شکل حکومت از پارلمانی به ریاستی، برخورد شدید با نهادهای جامعه مدنی و حذف نیروهای مخالف و اقلیت‌ها (از جمله کردها و علوی‌ها) از صحنه‌ی سیاسی و فضای سیاسی-اجتماعی ترکیه، مؤیدی بر فرض مذکور است. بنابراین، چنان‌چه وضعیت نابه‌سامان ترکیه به درازا بیانجامد و اردوغان و حزب وی از سازوکارهای مسالمت‌آمیز دموکراتیک بهره‌نگیرند، طی سال‌های آتی، مشروعیت خود را از دست خواهند داد. در نتیجه، بخشی از اقلیت‌های ترکیه چون کردها و علوی‌ها به سمت احزاب دیگر و یا تجزیه روی خواهند آورد و در این صورت، گفتمان‌های حزب عدالت و توسعه که با شعارهای برابری، عدالت و ... به میدان آمده بود، در تقابل با جریان‌های مذکور بر ضد مردم تبدیل خواهد شد. بنابراین، اگرچه این حزب تا حل کامل بحران‌های داخلی و منطقه‌ای راه درازی در پیش دارد، اما می‌تواند به تدریج خود را برای انجام اصلاحات و اقداماتی که همه مردم ترکیه خواهان آن هستند آماده کند؛ زیرا نه تنها تداوم این روند مشروعیت این حزب را متزلزل می‌کند، بلکه پیش‌بینی می‌شود شعله‌ور ماندن آتش خشم مخالفانی چون «پ.ک.ک» و کودتاچیان، لطمه‌زایدی به ترکیه خواهد زد. می‌توان گفت که سران دولت آنکارا برای خروج آینده خود و کشور از فضای پرتنش پس از کودتای نافرجام، نیازمند تجدیدنظر در بدنه سیاست‌های داخلی و خارجی خود هستند و این در صورتی میسر خواهد بود که اردوغان با بازنگری جامع و فراگیری از سیاست‌های خارجی و داخلی خود، بتواند بحران را مدیریت نماید و اعتماد سابق را به سوی کانون رهبری حزب بازگرداند. بی‌شک، در بعد منطقه‌ای نمایش رفتاری انعطاف‌پذیر نسبت به سوریه و انجام همکاری‌های منطقه‌ای، ترکیه را از مشکلات کنونی و انزوای منطقه‌ای رها می‌نماید. مسئله‌ای که به صلح و ثبات نسبی این کشور می‌تواند کمک کند.

اگرچه سناریوهای محتمل در تحقیق حاضر نشان می‌دهند که مشروعیت و قدرت اردوغان پس از کودتای نافرجام، رو به افول است و یکی از سناریوهایی که ترکیه احتمالاً تجربه خواهد کرد تجزیه سیاسی و استقلال کردهاست، اما آینده مطلوب صحبت از پیروزی نهایی اردوغان در صحنه سیاسی داخلی و نیز تبدیل آن به ابرقدرت منطقه‌ای دارد. دلیل ترسیم چنین آینده مطلوبی برای حزب عدالت و توسعه، حرکتی بود که سران آن در راستای نفوذ منطقه‌ای کشورشان داشته‌اند. آن‌ها همواره خود را حامی و رهبر آغاز اصلاحات اساسی

در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا نشان داده‌اند. برخی بر این باورند که ترکیه در پیگیری این اهداف، از انگیزه‌های رقابت با ایران نیز برخوردار است؛ زیرا جمهوری اسلامی ایران با تجربه مهم‌ترین انقلاب منطقه در سه دهه قبل و دفاع همه‌جانبه از انقلاب‌های مردمی، از موقعیت ممتاز برای تاثیرگذاری بر تحولات خاورمیانه و شمال آفریقا برخوردار است. اما برپایی اردوگاه‌های مشترک میان «پ.ک.ک» و کردهای سوریه، یعنی «پ.ی.د» در شمال سوریه، سبب شد تا اردوغان با پشتیبانی مخالفان سوریه به مقابله با عملکرد کردها پردازد؛ در صورتی که اتخاذ این سیاست نادرست در قبال سوریه سبب شد تا آینده سیاسی ترکیه با چالش مواجه شود. از طرفی، به‌رغم موضع ملایم تهران در قبال موقعیت سیاسی اسد و کردها، نگاه امنیتی به این مسئله گواه آن است که هرگونه قدرت‌گیری کردها در منطقه و به‌ویژه در سوریه، به تحریک کردهای ایران برای کسب این امتیاز کمک خواهد نمود و تمامیت ارضی و سیاسی ایران را نیز مانند ترکیه تهدید خواهد کرد. در پایان، باید گفت که وقوع این کودتا نشان داد که اصلاحات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و حتی تزریق بسته دموکراتیک هم نتوانست پاسخ‌گوی چالش‌های فعلی جامعه ترکیه باشد. بنابراین، سران حزب عدالت و توسعه به منظور خروج از بحران و حفظ مشروعیت خود، نیازمند آن است که دست به اصلاحات گسترده‌تری بزند.

منابع

الف) منابع فارسی

- اسپوزیتو، جان.ال و دیگران. (۱۳۹۶). **دولت و جنبش‌های اسلامی معاصر**، ترجمه علیرضا سمیعی اصفهانی و محمد حاجی پور، تهران: انتشارات نگاه معاصر.
- بیات، ناصر. (۱۳۹۰). **نقش ترکیه در تحولات خاورمیانه با تاکید بر تحولات سوریه**، فصلنامه ره‌نامه سیاست‌گذاری، سال دوم، شماره دوم، ص ۱۶۱.
- بیطرف، منصور. (۱۳۹۲). **پرونده فساد در ترکیه از منظر دیگر**، روزنامه ایران، ۳ دی‌ماه.
- داوود اغلو، احمد. (۱۳۸۲). **استراتژی منطقه‌ای ترکیه**، ترجمه سید عباس هاشمی، تهران: نشر آذر برزین.
- سمیعی اصفهانی، علیرضا؛ شفیعی، محسن. (۱۳۹۴). **آینده گروهک‌های تکفیری و راه‌کارهای ثبات‌بخش دولت سوریه و عراق**، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی، سال چهارم، شماره ۱۴، صص ۱۹۹-۲۲۷.
- شکوهی، سعید. (۱۳۹۰). **عوامل قدرت‌یابی ترکیه در منطقه خاورمیانه**، قابل دستیابی در: [http:// peace- ipsc.org/fa/?p=1433](http://peace-ipsc.org/fa/?p=1433).
- فلاح، رحمت‌الله. (۱۳۹۰). **سیاست خارجی ترکیه و تحولات انقلابی جهان عرب**، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال دوازدهم، شماره ۴۶، ص ص ۲۳۶-۲۳۷.
- فلاح، رحمت‌الله. (۱۳۸۵). **علویان ترکیه در تکاپوی هویت طلبی سیاسی**، مطالعات سیاسی جهان اسلام، زمستان، شماره ۲۸، ص ص ۱۸-۳۲.
- ماه‌پیشانیان، مهسا. (۱۳۸۹). **ترکیه و آینده تمایلات اسلام‌گرایانه**، دو هفته‌نامه پگاه حوزه، شماره ۲۵۷، صص ۸۷-۱۰۴.
- مصیب‌زاده، ایلدار، (۲۰۱۱)، «**آینده‌ی سیاست خارجی ترکیه**»، روزنامه ۵۲۵ باکو.
- مظفری، علی. (۱۳۸۸). **آینده پژوهی بستر عبور از مرزهای دانش**، فصلنامه پژوهش‌نامه نظم و امنیت انتظامی، دوره اول، زمستان، شماره ۸، صص ۲۵-۴۷.
- موسوی، حسین. (۱۳۹۰). **آینده ترکیه در سایه پیروزی مجدد حزب عدالت و توسعه**، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای، شماره ۴۱، صص ۷-۱.
- نصری، قدیر. (۱۳۸۵). **شیوه برخورد ترکیه با بحران‌های درهم شده در هزاره جدید**، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال سیزدهم، شماره ۳ و ۲، صص ۱۸۹-۲۰۳.

نورالدین، محمد. (۱۳۸۳). دینداران و سکولارها در جامعه ترکیه، ترجمه سید حسین موسوی، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و استراتژیک خاورمیانه، صص ۸-۱۰.

نورالدین، محمد؛ همدانی، عبدالرضا. (۱۳۸۳). ترکیه ... به کدام سو؟: حزب عدالت و توسعه در قدرت، مطالعات خاورمیانه، شماره ۳۷، صص ۱۵۴-۱۴۱.

هرمان، راینر. (۱۳۸۳). روایت‌های متفاوت از اسلام سیاسی ترکیه، ترجمه محمد حسین خورشیدی، اخبار ادیان، شماره ۷، صص ۱۱۸-۱۲۲.

ب) منابع غیرفارسی

Aljazeera. (2016). Available at: <http://studies.aljazeera.net/en/positionpapers/2016/07/failed-turkish-coup-dynamics-implications-160728095635056.html>.

Bahchelia, T.; Noel, S. (2011). **The Justice and Development party and the Kurdish Question innationalisms and politics in turkey political Islam**, kemalism ahd the Kurdish Issus, edited by Marliscasier and joost Jongerden. New York: Routledhe, p.112.

Baykal, z. (2013). **Geziparkidirenciart Ortudoguteknik**, Irkgilikuyesi (RCO5), universitesi Turkey, p.5.

Bayram Balci. (2014). *what are the consequences of the Split between Erdogan and Gulen on Turkey's Foreign policy?*, **Asia Pacific**, News & Analysis.

Bodansky, Yusef. (2016). *The Military Coup in Turkey*, Available at: <https://www.google.com/#q=The+Military+Coup+in+Turkey+%E2%80%93+Initial+Observations+Yossef+Bodansky>.

Bulent Aras; Omer, Caha. (2000). *Fethullah Gulen and His Liberal Turkish Tslam Movement*, **Meria**, vol.4, No.4.

Burak, kadercan. (2013). *Turkey's Gezi Park Episode Is Far from Over*, **Open Democracy**, <http://www.openendemocracy.net>.

Chermak, Thomas J. (2004). *Improving Decision making with Scenario*

Planning, Volume 36, Issue3.

Cramer, M. (2016). **Triumph of the AKP: Challenges Ahead for Turkey in 2016**, January 16.

Clive, Leviev-Sawyer. (2011). *Turkey's Libya Power Play*, *Sofia Echo*.

Cumhur baskanini halk sececi. (2010). Available at: [http:// www.sabah.com.tr](http://www.sabah.com.tr).

Cumhur bas kanndan ABD ye fethullah Gulen Gagrisi. (2016).

Available at: [http:// www.my.net.com](http://www.my.net.com), Erisim tarihi: 30 temmuz 2016.

Darbe girisiminin 24 saati. (2016). Available at: [http:// www.bbc.com](http://www.bbc.com).

Erisimta tarihi: 30 temmuz2016.

Davutoghu, Ahmet. (2010). *Turkish Foreign Policy and the EU in 2010*, **Turkish Policy Quarterly**, Vol. 8, P. 13.

Davutoghu, Ahmet. (2001). **Strategic Depth: Turkey's International Position**, İstanbul: Kure Yayinlari.

Ghannouchi, Rachid. (2011). *interview: Rachid Ghannouchi*,

Financial Times.

Hakan, Yavuz. (2006). *the Emergence of a New Turkey*, **Salt Lake City: University of Utah Press**, p. 334.

Kalin, Ibrahim. (2013). *Political Islam in Turkey*, in **oxford Handbook of Islam and politics**, ch. 28, Ed John L. Esposito and Emad shahin, New York: Oxford University press, pp. 430-431.

Kardas. Saban. (2011). *Syrian Uprising tests Turkey's middle east policy*, **The Jamestown Foundation website**, Volume: 8, Issue: 90.

Kardas. Saban. (2012). *From Zero Problems to Leading the Change: Making Sense of Transformation in Turkey's Regional Policy*, Turkey Policy Brief Series, **International Policy and Leadership Institute**, P.p1-4.

Kamal, Karakas. (2014). **Turkey Report**,31, Available at: <http://www>.

sgi-network-org.

Kayhan, O. (2014). *Pasane Department of internations, Islkuniversity Mesratiyet koyu Universitesokak*, No: 234980 sil, İstanbul, Turkey, p. 82-83.

Kharunya, Paramaguru. (2013). *TurKey: police chifes fired after High-profile Bribery Arrests*.

Konrad, Zasztowt. (2016). *The Consequences of the Failed Military Coup in Turkey*, Bulletin, No. 44 (894).

kotsev, Victor. (2013). *How the protests will Impact Turkey at Home and Abroad*, Atlantic, available at: [Http://www.theatlantic.com](http://www.theatlantic.com).

Marcie J., Patton. (2006). *The Economic Plicies of Turkey's AKP Government: Rabbits from a Hat?*, **The Middle East Journal**, pp. 513-536.

Martin, J. (1982). **Stories and Scripts in Organizational Settings**, in A. Haßtrof & A. Isen (Eds), New York, Elsevier.

Murat, Somer. (2016). *Understanding Turkey's democratic breakdown: Old vs. new and indigenou vs. global authoritarianism*, **Journal homepage**.

Nasil, ohdu. (2016). *Turkiyede Darbe Girisimi Neoldu?*, available at: <http://www.Amerikanin sesi.com>.

Rekha, Chandra. (2016). *The Weekend Military Coup Attempt in Turkey: Understanding The Causes and mplications*, Available at: [https://www.google.com/#q%09rekha,+chandra+\(2016\)rhe+weekend+military+coup+attempt+in+turkey](https://www.google.com/#q%09rekha,+chandra+(2016)rhe+weekend+military+coup+attempt+in+turkey).

Ozerkan, fulya. (2011). *Davutoglu delights Libyans in Bengehazi's Tahrir square*, **Hurriyet**.

Secim, Beyannamesi. (2001). Available at: <http://akparti.org.tr/site>.

Taspinar, Omar. (2011). *Turkey: An Interested Party*, In Kenneth

Pollack, Daniel Byman, et al, **The Arab Awakening**, Washington, DC: Brookings Institution, p.268.

Taspinar, Omar. (2012). *Turkey's Strategic Vision and Syria*, **Center for Strategic and International Studies**, The Washington Quarterly.

“TodaysZaman”, (2008), your way of understanding Turkey.

Todays zaman. (2008). *CHP leader vows to stay in power indefinitely*.

Hurriyet Daily News. (2013). *Turkish Government Determined to close private Tutirning schools*”, available at: [Http:// www.hurriyet dailynews.com](http://www.hurriyetdailynews.com).

Villelabeitia, Ibon and Karadeniz, Tuloy. (2011). *Challenges Turkey's Neighborly Policies*, **Reuters**.

Walker, Joshua. (2012). *turkeys time in Syria: future scenarios*, Brandeis University, **crown center for Middle East studies**, no.63, pp.1-2.

Hale, William. (2012). **Turkish foreign policy since 1774**, London and New York.

Zasztowt, Konrad. (2016). *The Consequences of the Failed Military Coup in Turkey*, **Bulletin**, No. 44 (894), 20 July 2016.

Brookings. (2016). Available at: www.Brookings.edu